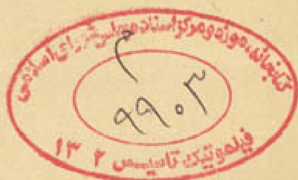
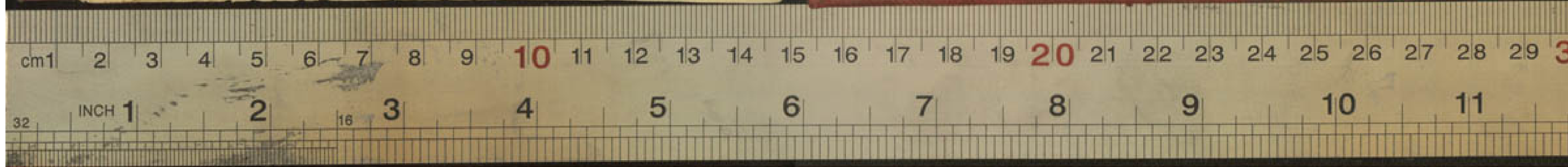






عکس مصنف رساله در سن ۳۶



مسافرت تفلیس

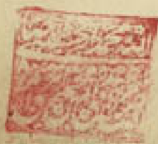
از

میرزا تقی خان طبیب حفظ صحه دارالخلافه طهران حکیمباشی حضرت
اشرف امجد والا شاهزاده ارفع اکرم افخم سلطان مسعود میرزا
ظل السلطان دام شوکته و عظمته دارای نشان و حمایل درجه اول
سرهنگی دولت علیه ایران و نشان درجه سیم سنت آنا و درجه دوم سنت
استانیسلاو دولت بهیه روسیه

۲۹ شعبان المعظم مطابق قوی ئیل

۱۲۸۸

طهران



روز پنجشنبه ۲۹ جمادی الاولی ۱۲۸۸ هجریه مطابق سال قوی ئیل
حسب الامر جهان مطاع اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه ممالک محروسه
ایران السلطان ناصرالدین شاه قاجار ادام الله تعالی ملکه الی آخر
الزمان این بنده جان نثار ابن محمد هاشم بن محمد حسین الانصاری
محمد تقی الطبیب الکاشانی در جزو سفارت کبرای فوق العاده
و تبعیت نواب مستطاب والا شاهزاده حمزه میرزا حشمت الدوله
بعزم تهنیت و ادراک حضور مبارک اعلیحضرت امپراطور ممالک

روسیه

روسیه الکساندر دوم بچاپاری روانه تفلیس شدم لازمه چاکری و
دولتخواهی خود را چنان دانستم که حتی المقدور در ملاحظات متعلقه
بدولت و ملت ایران مواظبت و اهتمام نمایم لهذا از
تحقیقات متعلقه بجغرافیای بلاد و طب و سیاست مدن و لوازم
ترفیه رعایا و حراست سرحدها و بنیانهای مربوط بسیویلیزاسیون
و پلیتیک آنچه را که درین اندک زمان مسافرت ممکن بود
درچند ورقه برشته ترتیب درآوردم ⁂

راهنامه

از دارالخلافه طهران	تا میانجه	۴ ½ فرسنگ
	تا کرج	۱ ½
	سنقرآباد	۴

صفرخواجه ۶ فرسنگ

عبدالله آباد ۴

یکشنبه ۳ جمادی الثانیه قزوین منزلگاه ۴ فرسنگ

مجموع مسافت ۲۴ فرسنگ

ملاحظهٔ جغرافیائی

قزوین شهریست از خارج خوش منظر دارای باغستانهای وسیع
هوایش قریب باعتدال عماراتش کهنه و قدیم اند بناهای معروفه
این شهر امامزاده اسمعیل شاهزاده حسین مظفریه مدرسه حاجی ملا
صالح برقانی مدرسه شهید ثالث مدرسه التفاقیه مسجد جامع مسجد شاه
است از جمله حمامهای مشهور اینجا حمام حاجی محمد رحیم و حمام جلودار است
کاروانسرای معروف این شهر کاروانسرای حاجی رضا کاروانسرای شاه

کاروانسرای وزیر کاروانسرای سرپوشیده کاروانسرای
شیخ الاسلام کاروانسرای حاجی محمد رحیم است ⁂
بیشتر سکان این شهر ترکی تکلم میکنند ⁂
همیشه چند فوج توپچی و سرباز از محال این ناحیه برای دولت علیه حاضر اند
آب مشروب این شهر از قنوات و هم از چاه است شش رشته
قنواه در شهر جاری است ⁂ ردهٔ مخصوص از میان این شهر
عبور میکند که بردخانهٔ بازار مشهور است ⁂ ردهٔ دیگر
از خارج شهر بسمت طهران عبور میکند که آنرا رود گندبل
مینامند ⁂ بیشتر باغها و زراعت خارج شهر ازین رودخانه
مشروب میشود ⁂

انواع میوه‌های نیکو بخصوص انگور در آنجا فراوان است گندم
و جوزرق بسیار از خاک این ناحیه برداشت میشود ::
مال التجاره این بلد گندم و جوزرق و کشمش و پسته و امثال آنهاست
ییلاق این شهر قاقزان و قشلاق طارمات است مالیات
آن اصلی و فرعی هشتاد هزار تومان است :: ایلات عمده
قزوین هم ایلی اند غیاثوند ابواب الجمع قنبر علیخان سرتیپ
چگینی ابواب الجمع باقرخان پسر سلیمان خان ::

ملاحظه طبیه

در چاپارخانهای از طهران تا قزوین بهنگام عبور جان نثار
مرض وبا شیوع داشت علائمیکه پیش از حصول آنها بروز

مینمودند بدینگونه بودند بیشتر از اشخاصیکه ناخوش میشدند پیچ
دیر خفته و بر نمیخواستند و مضطربانه از هر سو آمد و شد میکردند
و بهوا اکثر سر خود را بر زمین میزدند و نفس آنها تند میشد تا آنکه
میمردند ::
بیست روز بیشتر از بروز مرض هیضه (وبا) در بیجنجو و قاقزان
طلوع نمود پس از آن بسایر دهات و شهر قزوین سرایت نمود چنانکه
در تمام دهات روزی ده الی بیست نفر هلاک میشدند در ربیع الاول
گاه گاهی در بعضی از مواضع بروز میکردند در بلوک زهرا
وغیره الکنون نیز در قاقزان و الموت باقی است و شهر قزوین
بنوع اسپرادیک (منفردا) موجود است ::
دوشنبه ۴ جمادی الثانیه از قزوین بسمت رشت

راهنامه

از قزوین تا حسین آباد ۲ فرسنگ
آقابابا ۱
خرزان چهارپاره ۳
منجیل ۶
رستم آباد ۴
کهدم ۴½
رشت ۴

مجموع مسافه ۲۴½ فرسنگ

ملاحظهٔ ژئولوژیک (معرفة الارض)

چون از کوههای خرزان نزول نمایند رود شاهرود مشاهده میشود
این رود با رود قزل اوزن پیوسته شط منتهی بدریا میگردد
یکی میدان پس از چاپارخانه خرزان بسوی منجیل در کنار شاهراه تونلی

ساخته شده است از جانب مسافت کوهی است که گرانیتو دیوریت
و سنگ چخماق در اینجا فراوان اند و گرانیتهای مذکور مانند الماسهای
برلیان مصقل و درخشنده میباشند پیشتر ازین کوه اهک خاکستری
(شوارتزشیلو) است چون ازین کوه براه بسوی رود شاهرود
یعنی بجانب دست راست روند در نزدیکی رود مذکور معدن
مرمر سفید بسیار نیکوئیست که رگهای معدنی آن از بیرون نمایان
است اهک خاکستری در بیشتر مواضع این مسافه تا منجیل زیاد است
و درین خاکها مقدار فراوانی از طلق (میکا) برنگهای
مختلفه آمیخته شده است که مجموع را ابتدای مسافه خرزان و انتهای
آن در نزدیکی منجیل ⁂ چون از خرزان بجانب منجیل روان
شوند نگین سنگ منجیل مانده در شاهراه که عبور عامه مردم است سنگهای
غلطان بسیار فراوان است و همچنین تخته سنگهائیکه از [illegible] کبری

مختلفه آنها واضح است که کاملاً به جهه وازرسوب آنها
پیدا شده و بمرور دهور بدل بسنگهای سخت شده است چنانکه
اثر موجهای سیاله آبها وجای پای جانوران بروی آنها باقیمانده
ونشان قطرهای باران هنوز در آنها نمایان است (نقشه آ ۲)
بخصوص در نیم فرسنگی منجیل پیش از آنکه بحلاله منجیل فرود آئید
وجود این سنگهای غلطان واثر امواج آبها دلیلند که بروزگار دیرین
هیئت سیالهای عظیمه آبها از همین موضع جاری بوده اند بنوعیکه میتوان
گفت که رود شاهرود پس از آنکه با رود قزل اوزن پیوسته شده
از همین موضع میگذشته است تا آنکه در یکی از حرکتهای
زلزلگی بواسطه پرتابهای طبیعی و پیدا شدن چند قطعه از
تلهای عظیمه وچند کوه در رهگذر رود مزبور این رود بسمت جنوب
وجنوب سیلاب گشتن خود متمایل شده سیلاب گشتن خود را تغییر داده است

چون از منجیل بجانب رودبار روند پیش از آنکه از کوه رودباری
رودبار فرود آئید بجانب چپ رهگذر معدن زغال
سنگی دیده میشود محاذی بدره ورود منجیل است وجود معدن
زغال سنگ در این موضع دلیلی بر آنست که بروزگار دیرین جنگل
اطراف رشت تا همین مواضع متصل بوده است زیرا که زغال
سنگ نیست مگر نباتات و درختهای انبوهی که بواسطه پرتابهای
طبیعی بزیر خاک مانده وتجزیه شده بصورت زغالی متبدل شده
اند ⁂

چهارشنبه ۶ جمادی الثانیه یکساعت از غروب آفتاب گذشته
بدار المرز رشت وارد شدم ⁂

ملاحظهٔ جغرافیائی

رشت شهریست بسیار دلکش بدون سور وخندق واقع در

میان جنگلی که طول آن بسیار زیادتر از عرض آنست برای
آن بسیار پر رطوبت و بارندگی ابدی چون باریدن گیرد همیشگی
است هوایش سنگین است خصوص هنگام پائیز که بواسطه حرارت
ضعیفه خورشید مقدار زیادی از بخار آب بهوا آمیخته میشود
هرگاه جنگلهای اطراف شهر را اصلاح نمایند چنانکه انبوهی درختها
کمتر شود و هوا عبور نماید و سالی چند برای عبور آبها از میان جنگلها
احداث کنند برای آنکه آب در مواضع مختلفه جمع نشود و هوا را
فاسد نماید هر آینه هوای این بلد بسیار سالمتر و لطیفتر خواهد
جمعیت این شهر تقریبا ۱۱۰۰ خانه است ؛ انواع میوه‌های
نیکو در اینجا پرورش مییابد مانند هلو و گلابی و خوج وانجیر
و خربوزه و هندوانه و خیار و انگور و نارنج و پرتقال و لیموی
شیرین و ترش و اقسام سبزیهای خوردنی و بادنجان و سیب زمینی و غیره

گندم و تنباکو و نیشکر و پنبه و تریاک در اینجا بسیار نیکو پرورش
مییابد و از زیتون این ناحیه بسیار میتوان بهره‌مند شد لیکن
سکنهٔ این دیار چون بهیچوجه مایل بزحمت و راغب علم فلاحت
و زراعت و باغبانی نیستند شدت کاهلی و بی اعتنائی آنها
مایه منتفع نشدن از اینملک شایان است و تنها بزراعت شلتوک
و غرس توت و برداشتن ابریشم فراوان اکتفا کرده‌اند پس هرگاه
کسی رعایای اینجا را تربیت و تقویت نماید هر آینه مالیات این
مملکت بکرورهای زیاد خواهد رسید ؛
از جملهٔ رودهای دیگر که زراعت رشت را مشروب میکند سفید رود است
مالیات این رود هزار و دویست تومان است ؛

ملاحظهٔ طبیه

امراض شایعه این بلد اقسام نوائب و حصبه سالمه و رقت خون

وجوب است ؛
مرض هیضه (وبا) از ماه ذیقعده تاکنون گاه گاهی در رشت
طلوع و بروز داشته هنوز هم باقی است و تبهای و اسهال
مفرط بزرگی هلاک میشوند و همه ساله وبای اسپرادیک درین بلد
بهم است ؛ ۱۴ جمادی الثانیه هذه السنه تا اینکه در انزلی
بودم مرض هیضه مجدداً در رشت شدت نمود ؛
پنجشنبه ۷ جمادی الثانیه اپیتقانوس طبیب رشت خبر داده
۱۵ روز پیش ازین یکی از اطبای روس از کشتی تجار مأمور شده
از اردبیل بکردستان رفت برای تحقیق مرض طاعون و معلوم شده
که در اردبیل وبای سخت بوده لیکن بطالش و خلخال و سرحد سیر است
نکرده است و در سنه و کردستان مرض طاعون بهم است و در
تبریز ماه جمادی الاولی روزی زیاده از دویست نفر بمرض هیضه

بکجان دیگر رفتند ؛
شنبه ۹ جمادی الثانیه از رشت روانه بندر انزلی شدم

راهنامه

از رشت تا پیربازار ۱ فرسنگ
از پیربازار و مرداب عینک تا انزلی ۳ فرسنگ
مجموع سلخ ۴ فرسنگ

ملاحظه جغرافیائی

انزلی بندریست بسیار دلکش و زیبا شمالش دریای خزر معروف
آن بمرگان رده متصاعد میشود مشرق و جنوبش محدود بمرداب است
هوایش از هوای رشت بهتر زیرا که اطرافش باز تر است لیکن
در تابستان هوایش بسیار متعفن و کثیف میشود از انجهت که
ماهی زیاد و سایر حیوانات و مرداب ها نیکه موج از دریا بیرون

میاندازد و در کنار دریا و مرداب پوسیده و متعفن میشود و هوا را
فاسد مینماید انواع میوه‌ها و حبوبیکه در رشت پرورش مییابد
در انزلی نیکوتر تربیت میشود که عبارت از گندم و نیشکر و اقسام مرکبات
و آلوبالو و گیلاس و گوجه گان و خربوزه‌ها و هندوانه و آلوچه طوک
انزلی نزدیک بدو فرسخ از شمال بسوی مغرب است جمعیت
انزلی پانصد خانه است گمرک این بندر ۱۵۰۰۰ تومان
است مالیات رهپر بازار هزار و سیصد تومان است
اجارهٔ شیلات انزلی ۳۵۰۰۰ تومان عدهٔ مستحفظین سرحدیه
ازین قرار است ؛

تفنگچیان گرگان رود	اسالمی	طالش دولابی
۱۱۰	۴۰	۱۱۰
شاندرمینی	ماسالی	انزلی
۱۱۰	۲۰	۸۰
مهاجر		
۱۰		

۴۸۰

ملاحظهٔ طبیه

پس از ورود بانزلی منفرداً مرض هیضه در آنجا بروز مینمود
وچندی پیش از رسیدن ما بانزلی شدت داشته است چنانکه
روزی بیش از ۱۶ نفر بهلاکت میرسیدند و در همان مدتیکه
این مرض در رشت بقیه است در انزلی نیز بقیه است چنانکه زیاده
از صد نفر در این بندر بجهان دیگر رفتند از ابتدای زمان
اخذ مرض تا هنگام مرگ شش ساعت و زیادتر بقیه است
سبب وبای اپیدمیک انزلی و رشت شدت عفونت هوای
انزلی و رهها و کثافت جنگلهای رشت است زیرا که همیشه
همگان جانوران و اشخاص غرق شده و ماهیان بکنار دریا
ریخته شده عفونت می‌پذیرند و همچنین باران دائمی و ماندن
آب باران در جنگلها و معابر علفهای جنگلها و خانه‌ها را میپوساند

واثر حرارت ضعیفهٔ شمس آنها را گندیده میکند و هواهای سمیّه
از آنها تولید و پراکنده مینماید وجود شلتوک زار فراوان
نیز معین باین سبب است افراط خوردن ماهی شور و تازه
نیز یکی از اسباب مهیّهٔ این مرض است علاوه بر این آب
آب مشروب رشت و انزلی از چاههائیست که عمق آنها
اندک و آب آنها از آب باران است که در آن زمینهای
پوسیده فرو شده است و طعمش مانند آبهای محلی است

ملاحظهٔ زئولژیک (معرفة الحیوان)

گاو کوهی و بز کوهی و آهو در رحمت آباد و مانوله بسیار فراوانند
بزرگی گاوهای وحشی باندازه‌ای میرسد که هر یک از آنها تا
پنجاه من تبریز گوشت دارد گاوهای (گاومیشهای) اهلی این مملکت بسیار
فربه و تنومند و زیبا میباشند ۲ [illegible]

در جنگلهای این مملکت [illegible]

قرمز آب بندازه‌ای فراوانست که در وسط روزهای تابستان کسی از
آنجا عبور نمیتواند نمود و چنان اسبان را میگزند که از جای نیش آنها خون
جاری میشود و اسبان سفید گلگون میگردند اینگونه مگسها در سلا
امام سلسلهٔ هاشم نیز فراوانند قرقاول و بلدرچین (دشتم)
و مرغ سقا در انزلی بنهایت بسیارند در فصل زمستان چندین نوع
از مرغانرا در دریا شکار میکنند و پوست آنها را بقیمت تمام
تجار روسیه میخرند یکی از آنها قو (ایسیگنی) است که پوستش
بنهایت سفید و نرم است و هر پوستی اغلب یکهزار دینار بفروش
میرسد دیگری سلاهای گیلان کیشم یا مانند تشش سفید
و درخشنده و بالهایش سفید آمیخته بخالهای خاکستری است این یکی
بادوامتر و پربهاتر است و هر پوستی سی شاهی بفروش میرسد
سنگ چند گاه گاهی در اطراف مرداب انزلی مشاهده میشود

ماهیان مشهور این مرداب ع رهه پر بازار و سفید رهه که بیش از
سایر اقسام ماهیان خواسته میشود بخصوص نزد مسلمانان [illegible]
و ماهی سفید و سیم است ❊

مراکب بحریه انزلی

کرجی که در مرداب حرکت میکنند	۵۰ فروند
کرجی بلابر آجر و خاک از اودلفان با بزانزلی	۷
کرجی ملاحی کوچک	۲۵
کرجی بزرگ که ما بین بندر انزلی میآید	۲۰
کرجی بلابر از اودلفان زغال و نفط	۸
کشتی بخاری	۶
اشکون	۲
رشوه	۳

مجموع ۱۲۱ فروند است

چهارشنبه ۲۷ جمادی الاخره

ژنرال

ژنرال قنسول انگلیس با رابرد فرانکلی منشی دفترخانه بارون نیکلاد
و میرزا مصطفی مترجم دفترخانه مذکور بالای مهمانداری نواب والا
حشمة الدوله از جانب اعلیحضرت امپراطور ممالک روسیه
یکساعت پیش از ظهر وارد بندر انزلی شدند هنگام غروب
آفتاب بترتیب مزبور بکشتی کاتر دربالای سفارت کبری با خود آورده
بود معاودت نمود یکساعت از شب پنجشنبه گذشته نواب والا
با تمام اجزاء سفارت کبری در کرجی نشسته بجانب کشتی مذکور روانه
شدند در حالتیکه ظلمت شب عالم گیر و دریا در نهایت طغیان
و شورش بود و دو سه نوبت امواج کوه مانند بر کرجیهای سفارت
زور آور شده تهدید بغرق مینمودند با اینگونه طوفان امتثال
فرمان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی و نفاذ امر جهان مطاع در ضیق
وقت بلا انجام مأموریت لجاجت نمودند که از شب سلامت

دریا پیمایند ولی با آرامش دریا در انزلی توقف کنند بیمن اقبال
اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی سه ساعت از شب مزبور گذشته
سفارت کبری بسلامت بکشتی وارد شدند از شدت انقلاب
و طوفان دریا فرماندهان کشتی توقف را جایز ندانسته بیدرنگ
کشتی را بسوی بادکوبه حرکت دادند ؛

راهنامه

از انزلی تا بادکوبه ۳۰۰ ورس (هفت ورس یک فرسنگ)
تقریباً ۴۳ فرسنگ

مدت سیر یک شبانه روز است
سفارت کبری سه ساعت از شب پنجشنبه ۲۸ جمادی الآخره
بکشتی کاسپی وارد شد روز جمعه ۲۹ هنگام ظهر وارد بندر
بادکوبه شد ؛

ملاحظه

ملاحظه جغرافیائی

بادکوبه بندریست که در تحت مواظبت دولت بهیه روسیه
اکنون بسیار معمور و آباد است و آثار برتری و ترقی کاملاً
در آن هویداست هوایش خشک و پر باد و غبار زمینش
بی سبزه و آب لیکن از کثرت مواظبت صورت شهری
زیبا پیدا کرده است میوه این بندر از دهات و اطراف
آن است جمعیت شهر قدیم ۱۱۰۰ خانه خارج از شهر
قدیم آن ۱۴۸۰ خانه هر خانه کمتر از ۱۰ نفر جمعیت
ندارد اهالی بادکوبه اغلب مسلمانند ؛
در دو فرسنگی بادکوبه زمینی است که آنجا را آتشکده می‌نامند
همیشه یک یا چند نفر از هندوان در آنجا معتکف و مشغول
عبادت است خاک این بیابان کم منفعت و هر موضع

از آنجاکه را که قدری پس نفت شعله باو رسانند مشتعل میشود
و پیوسته میسوزد (منبع مخصوص آن بخار گود بود و بعد از آن در این
زمین است که بواسطه لوله ها و مجراهای چدنی آن بخار را
بمواضع مختلفه برده ازان بهره مند میشوند چنانکه برای روشن و آتش
وگرم کردن خانها تمام اهالی این دهکده ازان بخار بکار میبرند و
دو کارخانه عمده ازین بخار در گردش است یکی کارخانه جوهر نفط کشی
و دیگری کارخانه ریخته گری چرخ بخار این کارخانها از همین آتش
متحرکست ⁂

هر ماهی ۴۰۰۰۰ پوط نفط از چاههائیکه در چند فرسخی این موضع است تا آن
کارخانه نقل شده تصفیه میشود و یا نصف هزار پوط نفط مصفی و بی دود
ازین کارخانه حاصل میگردد (هر پوطی پنج من و نیم است)
کارکنان این کارخانه ۱۵۰ نفر اند ⁂

مخارج ماهانه این کارخانه ۴۰۰۰ روبل است (هر روبل ۳½ هزار بنقد ایران)
نفط تمام قفقازیه برای سوختن ازین کارخانه برداشت میشود در
قلمرو بادکوبه چنانکه میگفتند ۴۰ کارخانه نفط کشی است ⁂ در نیم فرسنگی بادکوبه
چشمه دیگر از گاز قابل احتراق است که میتوان بخرج اندکی آنرا
ببادکوبه آورده منازل و معابر را بآن روشن نمود ⁂
در بادکوبه کارخانه مخصوص است که در آنجا کشتیهای معتبر ساخته میشوند
شش سرباز خانه ممتاز در بادکوبه تا کنون بنا شده است دو در
داخل شهر قدیم و چهار در خارج شهر کنار دریا ⁂

خرج سالیانه هر سربازی برای دولت روسیه ۸۵ روبل است
غذا و لباس سرباز از دولت داده میشود علاوه سالی ۵ روبل و ربع
برای صرف جیب هر یک میدهند لیکن این تنخواه را برای رنگ کفش و صابون
وغیره بکار میبرند ⁂

قورخانه تمام قفقازیه از حاجی ترخان در این بندر جمع میشود و
از اینجا بتمام قفقازیه قسمت میگردد ؛
این بندر یک مریضخانه متعدد است از انجمله مریضخانه بزرگی
تازه در خارج شهر بنا کرده‌اند که انواع مریضخانه عسکریه و بحریه مینمایند
قیمت آن ۱۳۴۰۰۰ روبل است ؛
مخارج سالیانه این مریضخانه در اینجا عرض میشود ؛
تمام خرج سالیانه این مریضخانه از غذا و لباس و دوای مریض و مواجب
صاحبمنصبان ۳۰۰۰۰ روبل است ؛
مواجب ناظر مریضخانه ۱۱۰۰ روبل ؛
رئیس الاطباء ۲۲۰۰ روبل ؛
هر یکی از مریض نفری از دوا روزی ۱۹ کوپک (۱۰۰ کوپک یک منات)
غذا و سایر لوازم مریض از همین ۱۹ کوپک آماده میشود ؛

منازل المخصوصه

منازل مخصوصه مریضخانه از اینقرار است

امانت خانه	جایگاه تحقیق مرض	جامه خانه
حمام	تشریح خانه	دوا خانه
کارخانه شیمی	کتابخانه	نانوا خانه
چای پزخانه	آشپزخانه	دفترخانه
رختشوخانه		

صاحبمنصبان مریضخانه

رئیس الاطباء ۱	طبیب ۳	ناظر ۱	منشی ۱
دواساز ۱	خادم ۱۹		

ملاحظه استعداد بحریه بادکوبه

کشتیهای دولت بهیه روسیه در بحر خزر و حدود بادکوبه

و ایران متحرک‌اند بدین تفصیل‌اند ؛

~~کشتی بخار جنگی ۱۴ فروند — کشتی بزرگ تازه ساخته شده که بزرگترین کشتیهای این دریا و دارای هفت توپ خواهد بود~~

~~کشتی بخار از کمپانیها ۶ فروند — کشتیهای جنگی و غیر جنگی که بدون کار در این دریا متحرک‌اند بسیارند~~

در فروند از کشتیهای جنگی بخاری مخصوص توپخانه و قورخانه‌اند

مخصوصاً خارج کشتی شاه را که بنام اعلیحضرت اقدس شاهنشاه ایران موسوم شده است در اینجا یادداشت میکنیم ؛

کشتی شاه کشتی جنگی است و دارای دو دیگ بخار

قیمت این کشتی ۱۸۰۰۰۰ روبل

قوت این کشتی ۲۵۰ اسب

گنجایش آن ۶۰۰ سرباز

سوخت روزانه آن — زغال سنگ ۶۰ پود / نفط ۴۰ پود

سامع نالان

خرج سالیانه و مواجب اهل کشتی بغیر از قیمت زغال ۵۰۰۰۰ روبل

کارکنان کشتی

صاحب‌منصبان	ملاح	سایر کارکنان
۷ نفر	۳۰ نفر	۲۰ نفر

ملاحظه طبیه

یکشنبه دوم رجب مرض هیضه در بادکوبه اپیدمیک بود و قریب بیست نفر مبتلا باین مرض در روز نفیسهای الکامشاها نمودم بنابر آنچه اطبای عسکریه بادکوبه میگفتند از حاجی ترخان سرایت کرده بود ؛

گلدنیکی رئیس اطبای عسکریه بادکوبه با عقیده آنست بهترین دواهای برای علاج هیضه استعمال مقدار زیاد گنه‌گنه است در ابتدای بروز اسهال و قی زیرا که مرض هیضه را کمنوع از نوبه ردیه

میدانند که زمان سرما و تب آن بسیار متمادی و سخت است
چنانکه گاهی در هنگام نخستین که زمان سردی دست و پا و کندی
در آن است بهلاکت میرساند و گاهی در هنگام دوم
که زمان تب و برسام است اگر از شدید حالت حریف رستگار
شود زمان فرصت و شفای تام حاصل خواهد شد ؛ لیکن این
قول بسیار هرگاه جبر با آن کنند باید نیز قبول نمود که زیاده از یکی دو در این
نوبه گرما کمتر دیده شده است و همیشه در نخستین دوره یا مریض بجهان دیگر
میرود یا آنکه اگر رستگار شد بدوره دیگر مبتلا نمیشود ؛
چون هوای بادکوبه خشک است و بادهای شدید و پر غبار بسیار
در آنجا میوزد درد چشم از امراض شایعه این بلده است
پنجشنبه ۶ رجب مطابق ۹ سپتامبر ماه روسی دو ساعت
بعد از طلوع آفتاب با کالسکه چاپاری روانه تفلیس شدم

راهنامه

پنجشنبه ۶ رجب از بادکوبه تا چاپارخانه سرای ۱۷ ¼ ورس
آرباط ۱۴ ½
لغت نامه ۱۱
جنگ منزلگاه ۱۲ ¼

مجموع مسافت ۵۵ ورس

جمعه ۷ رجب ۱۰ سپتامبر ماه
از جنگ تا نقی گویسپی ۱۷ ½
مرضیه نهارگاه ۱۳ ¾
آجی دره ۱۵ ½
شماخی (شیروان) منزلگاه ۱۳ ¼

مجموع مسافت ۶۰ ورس

شنبه ۸ رجب ۱۱ سنطبر ما

از شیروان تا شرحدل ۱۸ ½

آق کو نهارگاه ۱۷

گلولو ۲۰

قره‌حریم منزلگاه ۱۳

مجموع ساعة ۶۸ ½ ورس

یکشنبه ۹ رجب ۱۲ سنطبر

از قره‌حریم تا گوک‌چای ۲۱

تریان‌چای نهارگاه ۱۷

عرب ۱۷ ½

چاقلو منزلگاه ۱۶ ½

مجموع ساعة ۷۲ ورس

۵ بز

دوشنبه ۱۰ رجب ۱۳ سنطبر ماه

از چاقلو تا ینگی‌چاور نهارگاه ۲۷

قازقولوچای ۲۰

کرکرچای ۱۹

گنجه منزلگاه ۱۹

مجموع ساعة ۸۵

سه‌شنبه ۱۱ رجب ۱۴ سنطبر ماه

از گنجه تا قره‌بیر ۱۷

شمکور ۹ ½

زکم نهارگاه ۲۳ ½

طاوس ۱۹

حسن‌سو ۱۶ ½

آخستافا ۱۲

مجموع ۹۷ ½

چهارشنبه ۱۲ رجب ۱۵ اسنطبر ماه

از آخستافا تا زورآرخی ۱۲

صلاحلو ۱۴

آل‌گیت نهارگاه ۲۳

یاغلوجه منزلگاه ۲۲ ¼

مجموع ۷۱ ¼

پنجشنبه ۱۳ رجب ۱۶ اسنطبر ماه

از یاغلوجه تا سوقانلوق ۱۲

تفلیس ۱۲

مجموع ۲۴ ورس

ملاحظه طبیه

طبیب نظامی گنجه میگفت که درین چند سال مرض هیضه در گنجه
طلوع و بروز نداشت لیکن چند روز پیش ازین یکنفر در اینجا
مبتلا بهیضه شده مرد کاشتگان از انتشار این خبر ممانعت کرده
مخفی داشتند و تاکنون مریض دیگر مشاهده نشده است

روز پنجشنبه ۱۳ رجب ۱۶ اسنطبر ماه هنگام نهار نواب والا
شاهزاده حشمة الدوله سفیر کبیر ایران با سایر اجزاء سفارت فوق العاده
با کمال احترام و تشریفات مخصوصه در نفس شهر تفلیس وارد شدند
بخانه میدانیف که برای صرف نهار و تبدیل لباس معین شده بود
و در این مکان آجودان مخصوص نواب جانشین گراندوک میشل و
پلیسمیتر بزرگ و پلکتش یاوری و پلکتش آجودان و حاکم نواحی
و با پنجه نفر سوارهای مخصوص نواب جانشین و شش نفر سوارهای ژاندرم

باده نفر قزاق مجموعاً بلباس رسمی حاضر پذیرائی بوده در همین موضع
بگذشتگاه از کالسکه های مخصوص نواب جانشین بجهت سواری
نواب والا حشمة الدوله فرستاده شده بود هنگامیکه ورود سفارت
کبری بمکان مذکور نزدیک شد تمام اشخاص مزبوره فوق استقبال
کردند و اجودان مخصوص نواب جانشین و رئاله رئیس بزرگ العمارت
نواب سفیرکبیر را پذیرفته از ورود ایشان تهنیت و اظهار
شادمانی نمودند پس از آنکه اجزاء سفارت لباس رسمی پوشیده
و غذا صرف شد تمام مستقبلین مذکور بهمراهی سفارت عزیمت
شهر را نمودند در کالسکه سفیرکبیر جنرال فرانکینی مهماندار سفارت
نیز جای داشت و پلیسمیستر و پلدتیش مایر و پلدتیش اجودان
در اطراف کالسکه سواره میرفتند ؛ در جلو عمارتیکه بجهت سفیر کبیر
مهیا کرده بودند قراولهای احترامی مأمور بودند بهنگام ورود نواب والا

بمقر خود کبرناتور تفلیس و ویس کبرناتور و کلانتر شهر و کماندان
شهر ایشان را پذیرائی نمودند شیرینی و چای صرف شد و از سواریکه
سفارت کبری با تشریفات مخصوصه میگذشت از اول شهر تا منزل سفارت
که کوچه های قفقازیه و ارشاگونی نام داشت جمعی سواره و پیاده
بخصوص رعایای ایران سواره مشایعت نمودند ؛

اسامی اجزاء سفارت کبری

عبد الله میرزا ابلاغ رسان نواب حشمة الدوله حمزه میرزا سرتیب
علی خان سرتیب
میرزا احمدخان سرتیب
میرزا آقا سرهنگ جزء دار الشوری دار الخلافه طبیب سفارت
میرزا مهدی سرهنگ مهندس
میرزا لطف‌علی خان سرهنگ مترجم وزارت خارجه و سفارت

روز دوشنبه ۱۷ رجب ۲۰ سپتمبر ماه چهار ساعت از ظهر
گذشته اعلیحضرت امپراطور ممالک روسیه الکساندر دوم از شریف
فرمائی تفلیس شدند پیش از ورود در خارج شهر ۱۴ هزار قشون
قفقازیه از سان اعلیحضرت امپراطور گذشتند و در عمارت حکومت
منزل و دیگر غذای سربازان با تاکید بلیغ با جمیع صاحبان فرمودند
پس از سان قشون بشهر در خانه نواب جانشین نزول اجلال فرمودند
و در هنگام حرکت در شهر شلیک توپ و موزیک مبادرت شد
و در شب همگی تفلیس را چراغان کرده بودند و در ورود امپراطور
بار دوم قشون در جانب راست سلام برای تماشاگاه سفارت
کبری جای مخصوص بر پا کرده بودند اعلیحضرت امپراطور پیش از دخول
بمنزل جانشین والا کلیسای بزرگ شهر شدند
روز سه شنبه ۱۸ رجب هشت ساعت از ظهر گذشته اعلیحضرت

امپراطور

امپراطور سفارت کبرای ایران سلام کحضور خود خواسته نواب والا
حشمة الدوله با تمام اجزاء سفارت بمقر اعلیحضرت امپراطوری وارد
شدند جنرال [illegible] وزیر دربار ایشان را پذیرائی کرده نواب والا
نخست نامه اعلیحضرت اقدس شاهنشاه ایران را در سینی نقره که [illegible]
بحضور اعلیحضرت امپراطور فرستاد آنگاه نواب والا را با [illegible]
مترجم بحضور خود خواستند در اطاقیکه اعلیحضرت امپراطور ایستاده
و حضرت ولیعهد در جانب راست او ایستاده بود امپراطور و ولیعهد
با نواب والا مصافحه نموده اعلیحضرت امپراطور پس از پرسش سلامت
مزاج مبارک اقدس شاهنشاه ایران فرمودند بسیار خشنودم که قرعه
این ماموریت بنام شما افتاد زیرا که اوصاف پسندیده شما را
شنیده بودم نواب والا عرض کرد که کمال افتخار دارم از این ماموریت مخصوص
و از حسن ظنی که اعلیحضرت امپراطور در حق فدوی دارند نواب والا

فرمودند امیدوارم این دوستی که میان این دو دولت بهم است
بدون نقصان همیشه برقرار باشد و خواهشمندم که پادشاه ایران
پس از این با فرزند من ولیعهد بهمین نوع متحد باشد نواب والا عرض
کردم مایهٔ کمال بهجت خود میشمارم که این خواهش امپراطور اعظم را در حضور
مبارک شاهنشاه ایران و ولیعهد خود چنانکه شایسته باشد عرض
نمایم و سالیان دراز این دوستی برقرار بماند: امپراطور فرمودند سالهای
بسیار متمادیست که پادشاه ایران را دوست داشتم هنگامیکه بودم
در ۱۸۳۷ بمملکت قفقاز آمده بودم در شهر ایروان پادشاه ایران
هنوز ولیعهد و ایام صغر سن بود بدیدن پدرم آمد پدرم او را در آغوش
گرفته بر روی زانو نشانید نواب والا عرض کرد که اعلیحضرت شاهنشاه
ایران این مودت و اتحاد دستوده بسا اکثر مذاکره میکنند:
پس از آن اعلیحضرت امپراطور باطاق دیگر که موقف اجزای سفارت

کبری

کبری بود تشریف فرما شده نواب والا هر یک هر یک را معرفی
امپراطور با هر یک فرمایشی فرمودند از آنجمله چون جان نثار دارای
نشان روسیه بود فرمودند که از نشان تو معلوم میشود در رفاقت بوده
عرض کردم در سال گذشته بهنگام پذیرائی نواب گراندوک قسطنطین
در سفر بندرجز باین نشان سرافراز شده ام پس از آن سفارت
کبری در اطاق دیگر بحضور حضرت الکساندر سیم ولیعهد اعلیحضرت
امپراطور و بحضور نواب گراندوک میشل جانشین قفقازیه
بکلور امپراطور با بینگلرف مترجم داخل شدند نواب والا
حمزه میرزا معرفی کردند نواب والا جانشین بجان نثار فرمودند
که مریضخانهٔ خوبی تازه در اینجا بنا کرده اند آیا میل داری آنرا ببینی
عرض کردم بسیار میل دارم که آنرا دیده باشم فرمودند آیا در راه
همراهان خوش گذشت و بسلامت بودند عرض کردم در اینگونه

ماموریت هر گونه شخصی که تصور شود بهتر میگردد و نهایت آسایش
وخوشی برای همگی بعلاوه نواب والا حشمة الله وله عرض کرد که فلانی قدری
دلتنگ بود از اینکه در سلام کسی مریض نشد در معالجه او اقدام کند
نواب جانشین فرمودند که کلیة اطبا را از داشتن مریض مایوس هستند
بعد از آن تمام اجزاء سفارت در حضور گراندوشس (زن جانشین)
معرفی شدند آنگاه نواب والا سفیر کبیر با تمام اجزاء سفارت
بمجلس مهمانی نجبای قفقاز که اعلیحضرت امپراطور را دعوت کرده بودند
برای صرف شام وارد شدند زیاده از ششصد نفر از صاحب منصبان
عظام در انجام شام خوانین رئیس نجبای قفقازیه در انتهای شام
خطبه بلیغی مشتمل بر اظهار تشکر از محبتها و تربیتهای امپراطور نسبت
باهالی قفقاز انشاء نمود امپراطور او را باسم جنرال اجودان مخصوص
خواند و وی را بوسه داد و حمایل و نشان این منصب را بکمال لوازم آن

در انجمن نواب والا بفاصله سه نفر که زن جانشین و ولیعهد
و ما دام ... بودند از اعلیحضرت امپراطور نشسته بود پس از آن
سفارت کبری بمتابعت اعلیحضرت امپراطور بجشنگاه رقص
و چراغان اندر شده اعلیحضرت امپراطور و ولیعهد و نواب
جانشین همگی با زنان گرجیه و سایر نجبای قفقاز برقص در آمدند
و با رعایای خود کمال الفت و محبت بجای آوردند پس از انجام مجلس
رقص اعلیحضرت امپراطور بتوجه معاودت فرمود سفارت
کبری نیز بجایگاه خود برگشت نمود ؛
شب پنجشنبه اعلیحضرت امپراطور مهمان نواب جانشین حاضر
شد اجزاء سفارت کبری نیز در آن مهمانی موعود بودند پس از
صرف شام نواب جانشین از ورود اعلیحضرت امپراطور اظهار تشکر و امتنان نمود
اعلیحضرت امپراطور سر و صورتش را بوسه داد بعد از انقضای

مجلس اعلیحضرت امپراطور و ولیعهد و خانمین و زن جانشین بزرگ
از اجزاء سفارت و بزرگان مهمانی را در اطاق دیگر بردند قهوه
قهوه خوردند و با یکدیگر صحبت کردند آنگاه تمام اجزاء مهمانی
بتبعیت اعلیحضرت امپراطور بباغ مجتمع در بزم رقص و شادی
اندر شدند در هنگام رقص اعلیحضرت امپراطور بنواب والا
حشمة الدوله فرمودند آیا در ایران رسم شده است که زنان در مجلس
مهمان بی‌حجاب برقص و شادی اندر آیند نواب والا عرض کرد
هنوز رسم نشده است باز فرمودند حال مسلمانان قفقازیه
قدری تربیت شده‌اند و زنان آنها بی‌حجاب بمجلس‌ها داخل میشوند
نواب والا عرض کرد پادشاه پدر رعیت و رعیت فرزندان
او میند فرزند البته باید خود را از پدر مستور نماید چنانکه در
ایران نیز زنان از پادشاه خود را مستور نمینمایند اعلیحضرت

امپراطور

امپراطور ازین جواب خشنود شدند بجانب دیگر توجه نمودند پس از
انجام بزم رقص بمرتبه فوقانی عمارت برآمده بتماشای آتشبازی‌های
غریبه که در کنار رودخانه مهیا کرده بودند پرداختند بهنگام مراجعت
اعلیحضرت امپراطور بنواب والا فرمودند که افسوس میخورم که زبان
فرانسه نمیدانید تا در هر مقامی با شما هم ازین صحبت نمایم ؛

روز جمعه ۲۱ رجب مطابق ۲۴ سنطبر ماه یک ساعت از
ظهر گذشته حضرت الکسندر سیّم ولیعهد اعلیحضرت امپراطور با
نواب مستطاب ولادیمیر برادر کوچکتر ولیعهد بدون اخبار برای
بازدید نواب والا سفیر کبیر بمقر سفارت تشریف فرما شدند
حضرت ولیعهد بنواب والا فرمودند که چون میدانستم پیش از
مراجعت برای بدرود شما نوبت دیگر ملاقات لازم است
لهذا زحمت شما را شایسته ندانستم خود برای بدرود شما آمدم

پس از معاودت حضرت ولیعهد اعلیحضرت امپراطور با نواب
جانشین تشریف فرمای سفارت شدند تمام اجزای سفارت
با لباس رسمی در درب خانه مذکور استقبال کردند اعلیحضرت امپراطور
اظهار خشنودی مخصوص فرمودند امیدوارم که همگی بسلامت بخاک
ایران معاودت نمایند پس از ورود بعمارت مزبور
بنواب والا سفیر کبیر فرمودند آیا از منزل خود مسرور هستید سفیر کبیر
عرض کرد کمال امتنان دارم باز فرمودند که خواهش دارم
مراتب مودت و محبت مرا به پادشاه ایران عرض کنید نواب
والا عرض کرد که نه تنها محبتهای امپراطور را بحضور شاهنشاه ایران
عرض خواهم نمود بلکه اهالی ایران نیز هرگز فراموش نخواهند کرد
باز امپراطور فرمودند که میل دارم دوستی با پادشاه ایران با یک
گرامی جانشین قفقازیه که همجوار با ممالک محروسه است باقی باشد

نواب

نواب والا فرمودند چنانکه محبتهای اعلیحضرت امپراطور هرگز فراموش
نخواهد شد البته اتحاد و دوستی با نواب جانشین همیشه کاملاً
برقرار خواهد بود پس از آن اعلیحضرت امپراطور بمقر خود معاودت
فرمودند بفاصله یک ساعت کنیاز سالتیکوف اجودان مخصوص
و رئیس دفترخانه نظامی امپراطور بمقر سفارت آمده یک قطعه نشان
الکساندر نوسکی از درجه اول مکلل بالماس برلیانت
با حمایل و سر حمایل ولادیمیر کلاس بنواب والا حشمة الدوله آورد
یکساعت پس از آن ژنرال فرانکینی از جانب اعلیحضرت
امپراطور بهر یک از اجزای سفارت نشانی مخصوص باندازه
رتبت آنها آورده هر یک را قرین مباهات نمود

روز شنبه ۲۲ رجب ۲۵ سپتمبر ماه هشت ساعت از نصف
شب گذشته اعلیحضرت امپراطور از تفلیس بجانب سباستپل

(کریمه) عزیمت فرموده ش

روز دوشنبه ۲۴ رجب مصطفی پاشا سفیر عثمانی بدیدن نواب والا

حمزه میرزا آمده ش

چون یکی از همراهان سفارت کبری ما پای بدیدن تشریح انسان بود
جان نثار از دیوانخانه رئیس الاطبای قفقازیه خواهش نمود که اگر
تشریح انسان در اینجا ممکن شود مایه امتنان و مزید بصیرت خواهد بود
لهذا روز دوشنبه زنده از مریضخانه عمومی جدید تفلیس مرض سل
بجهان دیگر رفته بود طبیب مذکور به رئیس الاطبای مریضخانه اعلام
نمود که برای تشریح آن جسد حاضر شود روز مزبور دو ساعت بعد
از ظهر بمریضخانه رفته پس از بازدید تمام منازل و لوازم مریضخانه
و تحقیقات لازمه بتشریحخانه داخل شدم دو نفر در آنجا مشغول
تشریح شدند چون انتظر که از فرط خواهش دیدن تشریح انسان آنکه بود

استعجه

استعجه داشت در بعضی از مطالب تشریحیه را بدقت فهمیده و اندو نفر
مشرح بتماشای و تحقیق رفتار مینمودند لهذا اخبه تشریح آن جسد اقدام نمودند
آنچه را که آن شخص خواست چنانکه باید و شاید بما و مفهوم پس از عزم اجعت
از مریضخانه دیوانخانه رئیس الاطبای قفقازیه بخدمت نواب مستطاب
والا حشمة الدوله بسیار اظهار تحیر گفته بود که ما گمان نداشتیم در بعضی وجوه
ممنوع بودن تشریح انسان در مملکت ایران اینگونه اطبای عالم از آن بی اطلاعی
بروز کنند هنگام مراجعت از مریضخانه یکی از اطبای آنجا در منزل جهت
نهار آمده گفته بود که ما ابداً آنجا دعوت نموده در معاشرت او بسیار عجب
الفت غریبی با جان نثار پیدا کرده پس از رفتن بمنزل او هم هنگام
صرف نهار از وبای ایران و حدود قفقاز و معالجات جدیده گفتگو
بمیان آمد گفت شنیده ام که در دار الخلافه طهران معالجه عرق
برای وبا پیدا کرده اند که بهیچوجه عقل آن را نمی پذیرد گفتم معالجه جدیدی

در نظرم نیست که در ایران اختراع شده باشد گفت شنیدم
شخصی بوزیر سابق ایران عرض کرده بود که هرگاه از پوست گوسفند
سیاه طبل بسازند و با فقدان قواعد شب و روز بدون فاصله آن
طبل را چنان بنوازند که بهمه شهر صدای آن برسد هر آینه اهل
شهر از گرفتاری مرض وبا محفوظ خواهند ماند این فقره بهیچوجه بمعقول
درست نمیآید شنیدن این سخن چنان مایهٔ خجلت و انفعالم شد
که ندانستم چه در نهار بود و چه صرف شد باری گفتم چگونه این
حرکت را بوزیر ایران میتوانید نسبت داد و حال آنکه او شخص
بود پیر خود و با تجربه و از اینگونه فریبها دور بود جواب گفت چگونه
منکر این حرکت میتوان شد با آنکه این واقعه در همه جا مشهور گشت
گفتم هرگاه از احمقی چنین حرکت صادر شده بود وزیر ایران مدخلیت
نخواهد داشت راست است یکی از سفهای خودسرانه مرتکب این

عمل وحشیانه

عمل وحشیانه شده بود وزیر معهود پس از استحضار او را بدست
آدمهای نظمیه کابات کرده اخراج بلد نمود بلکه اعلیحضرت اقدس شاهنشاه
ایران از همان وزیر مؤاخذه فرمودند که چرا باید مردم بتوانند
جسورانه در شهر باینگونه حرکات وحشیانه اقدام نمایند و بندگان
خدا را در دل شب از صدای وحشت انگیز طبل این احمقها هراسان
و متزلزل و بدخواب کنند ؛ باجمله پس از صرف نهار بسفارت
کبری معاودت نمودم ؛
شب سه‌شنبه ۲۵ رجب میرزا اسدالله خان ژنرال قنسول
ایران سفارت کبری را با جمعی از امنای دولت علیه روسیه
و بارون نیکلای وزیر قفقازیه در قنسولخانه مهمان نمود ؛
مخارج قنسولخانهٔ جدیده مزبوره بزرگتر و بهترین قنسولخانهای تفلیس است
سالیانه ۶۰۰۰۰ روبل (منات)

مخارج بنای آن ۴۰۰۰۰۰ روبل
مخارج ماهانه هر شخص مستطیع و فضیلکه با نجا وارد میشود ۵ روبل

روز سه شنبه ۱۸ رجب با دو نفر از اهالی ایران که
فی الحقیقه جوانی با غیرت و اطلاع و سالهای زیاد در روسیه بخصوص
در تفلیس متوقف بود و بنوا امنای دولت بهیه روسیه نیز معتنا
بود ملاقات بدیدن من آمده از هر جا گفتگو بمیان آورد و از
هر گونه سخن راند از آنجمله اظهار تاسف و تالم مینمود که ما در
ممالک خارجه همواره باید از اخبار اراجیف ایران و سخنان
جانگداز مملکت خودمان مورد ملامتها و تشنیع هر یک از طوایف
خارجه باشیم و ابواب چاره و اصلاح برای ما مسدود باشد بنوعیکه
از خجلت همه جا سر بگریبان فرو میبریم و مانند گنگان و کران
بلکه حیوان بهایم زندگی میکنیم گفتم واضح تر بگو که چه نوع اخبار

منظور

منظور داری مرا از آنها مستحضر کن گفت بیان تفصیل آن اخبار
محتاج بمدت زیاد است و شما بروز زیاد تر در اینجا توقف
ندارید لیکن بطور نمونه چند روزنامه بزبان روسی از روزنامجات
قفقازیه برای شما میفرستم ملاحظه نمائید البته از خواندن
آنها کمال آزردگی برای شما حاصل خواهد شد چه همیشه که خداوند
تفضل میفرمود که بمواظبت اولیای دولت ابد مدت علیه ایران
ما بیچارگان از شر بد زبانی روسها و طعن طوایف خارجه آسوده
میشدیم ؛

ترجمه روزنامجات قفقازیه

قفقاز

روز جمعه ۱۶ ایول ماه ۱۸۷۱ روسی نمره (۸۲)
در ایران بواسطه عدم بارندگی و خشکی عمومی گرسنگی عام بروز

نموده و همین سبب نان در بلاد ایران کمیاب است و اکنون
این حالت مانند سایر ولایات تا اردبیل سرایت نموده است
و بتحقیق رسیده است که در ولایات و دهات واقعه در
سرحد مرض عمومی مخصوصی بروز نموده است که ناگهان در گوش
و اطراف آن ظاهر شده بندرت کسی پس از گرفتاری باین مرض
رستگار میشود علاوه براین اعلام نموده اند در بندر ابوشهر و
در ارومیه مرضی مانند طاعون طلوع کرده است و در ایران
طبیب و اسباب و عمال قرانتین ندارند که این مرض را علاج
کنند و سایر بلاد دیگر که هنوز باین مرض مبتلا نشده اند از سرایت
آن محافظت نمایند ❊ گرسنگی بحدی شدت یافته است
که مردم از غایت استیصال بکلی بفقر افتاده اند و اسباب
و لوازم زندگی و استراحت خودشان را میفروشند بلکه خود را

سیر

سیر کنند و از مرض گرسنگی نجات یابند ❊ دولت ایران
کمال مواظبت داده برای قراول گذاشتن در قبرستانها
باحتیاط اینکه مردم از گرسنگی اجساد اموات را نخورند
در تحقیق خشکی و بی بارانی ایران معلوم شده است که
چون ملت ایران مخالفت میکنند و اکراه دارند که در وقت
آمدن باران جماعت مسیحیان بواسطه نجات بکوچه بیایند
لهذا بنابر تدبیر دینی مسیحیان هیچ رطوبتی از آسمان بزمین نازل
نمیشود مبادا که نجات ایشان باهالی ایران سرایت کند ❊
در خصوص وزرای مختار خارجه که مقیم در طهران اند جناب
وزیر دول خارجه ایران اخبار کرده جناب وزیر امور خارجه چنین
جواب داده که اگرچه این مطلب درست است لیکن هیچ مدخلیت
با مور دولتی ندارد بلکه مبنی بر اصول مذهبیه و بسته بجماعت روحانیت

نات یعنی علماء اسلام واین حکم عمومیت ندارد ودر حق
مسیحیانیکه تبعه دولت ایرانند مجری است مانند ارامنه ویهود
وغیره نه در حق عموم خارج پرستان ؛ جماعت مسیحیان
خارجه ازین جواب چنانکه علامات [illegible] فهمیدند با وجود این احتیاط
دارند در وقت آمدن باران با جمعیت زیاد ومعابر نیایند
برای ترحم بر فقرای این سلطنت جناب وزیر مختار انگلیس موسیو
الیسون جماعتی را معین فرموده اند در برات بگرسنهای ایران
میدهند و تنخواه آن براتها را از خزانه لندن معین مینمایند
دولت ایران منفعت کلیه است ازاین خشکسالی بواسطه
عدم اقتدار براینکه پنج فوج سرباز مامور کنند بر سر ترکمانیه
که همسایه نزدیک این دولت است در حالتیکه جماعت ترکمان
تکه هجوم آورده واطراف شهر نورانی مشهد امام رضا را غارت

کرده

کرده اند وهر چه رعایای آن مملکت داشته اند همه را بتاراج برده اند
ودر حالتیکه غارت کرده اند اموال مرقد امام رضا نبیره محمد (ص) را
از قبیل طلا ونقره آلات وجواهر نفیسه او را واعلیحضرت اقدس
پادشاه ایران درهمین اوقات با جمیع متعلقان وسرا پردگیان
خود نقل مکان فرموده اند بجای پر تفرجیکه نزدیک دماوند است ودر
آنجا بعیش ونشاط خود مشغول میباشند وهمه اوقات با کمال اطمینان
مشغول شکار آهو وبز کوهی وسایر اقسام طیور هستند ؛

قفقاز

یکشنبه ۱۸ ایول ماه ۱۸۷۱ روسی نمره (۸۳)

در بادکوبه بنا بحکم جناب رئیس دیوانخانه ایالت بادکوبه و
ولیس گبرناتور و بمواظبت امنای دولتی جمعیتی منعقد شده
است که مشغول تعمیر وپاکیزگی اراضی بایره وناپاک خارج شهر اند

و در این عمل کمال مواظبت را دارند و از علامات نایابی
نان در ایران اهل آن مملکت بادکوبه و سایر ولایات
روسیه منتشر شده‌اند برای تحصیل آسودگی و اطمینان از نان خود

قفقاز

جمعه ۲۳ اپریل ۱۸۷۱ مسیحی نمره (۸۵)

در ۱۶ اپریل از جماعت اطبای قفقاز شنیدیم که خوانده بودند
اعلان نامه دکتر کاستلسکی را از جانب دولت علیه ما در
طهران مقیم است اینکه در مملکت ایران نزدیک سرحدات ما ناخوشیهای بزرگ
چند در منازل جماعت طلوع نموده‌اند مانند مرض طاعون و حصبه
وغیره و اغلب از آن مریضها هلاک میشوند

از خواندن ترجمه این روزنامه‌ها چند روز بواسطه شدت
تفکر و پریشانی آسودگی برای من نبود اتفاقاً روز دیگر یکی

از

از صاحبمنصبان روس بهنگام نهار در کنار من واقع شد در
میان صحبت گفت بواسطه گرسنگی اهل ایران و پریشانی
و خرابی رعایای آن مملکت زیاده از بیست هزار نفر آنها بخاک
روسیه و قفقاز متفرق شده‌اند بلکه زیاده از ده و پانصد
هزار نفر از سربازان ایران بتدریج بخاک روسیه فرار نموده‌اند
چنانکه خودم سه نفر از آنها را بهنگام عبور از خاک قفقازیه در
اوقات رفتن و برگشتن از نقطه مأموریت مشاهده کردم این
خبر مایه اشتعال آتش غیرت جان نثار شد با خود گفتم
از قحط و خشکسالی و امراض متواتره مهلکه صرف نظر میکنیم در این
اندوه چگونه خودداری کنم که تمام قفقازیه و داغستان مسلم
و مایل بقوانین شرع و پادشاه اسلام‌اند و باید که ترکیه و مواظبت
سلطان مقتدر میتواند قفقازیه را از چنگ روس برباید

چنانکه خود در هر شهر و دهکده که رسیدم با اقسام مردمان خلطه و
آمیزش کردم و در این خصوص دقت کامله نمودم هیچ مسلمانی سوای از
استیلای روس شاکی ندیدم و حال آنکه در قفقازیه ملل غیر از مسلمان
بسیار اند لیکن اکابر دینیه ما گذشته از آنکه باید خارج از مذهب
اسلام را بآئین ما راغب و مایل کنند اسباب سخریه و استهزاء ارباب
قوانین شرعیه فراهم مینمایند مانند آنکه در ترجمه اولین روزنامه قفقاز
اظهار شده و چنان عامه رعیت را غرق فناتیک متعصب و تحریص
بجهاد کفره میکنند که اکنون نتیجه بی تربیتی آنها بجائی رسیده است
که از نبودن صنایع و علوم و کسب و زراعت و فلاحت و تجارت
وغیره اسباب تعیش و زندگی برای هیچکس متصور نیست و از شدت
فقر و تنگدستی همگی بکوهستانها و بیابانهای روسیه و قفقازیه
وغیره پراکنده شده اند و با وجه بی تربیتی و غربت در انواع [illegible]

واشتراکند

[illegible]

واشتراکند چرا باید بواسطه عدم وفاق افراد ملت ایران
با یکدیگر دسته دسته از هم گسیختگان یا هم وطنان خود روگردان
شده مایه هزار گونه فساد و خرابی دولت و مملکت شوند چرا
باید بواسطه طعن و لعن همیشه میان سنی و شیعه عداوت باشد و در
هنگام فرصت کمال کوشش در تباهی و نیستی یکدیگر کنند چون
ترکمانان و اهل کردستان وغیره پیغمبر آخرالزمان در کجا اهل کتاب
یعنی یهود و نصاری را نجس العین شمرده است چه مراد داشته است
برای آنکه این طوایف را دشمن جان و مال خود قرار دهیم با آنکه
اغلب علما تصریح بپاکی آنها کرده اند و اگر هم بعضی ناپاک دانسته اند
محض خطا و شبهه بوده است چنانکه جان نثار محض خدمت بملت تحقیق
تمام اخبار و آیات داله بر نجاست و طهارت آنها را اینجا در رساله
جمع و در تبصره ترجمه آنها را عرض میکنم بنوعیکه هر کس ملاحظه کند

خواهد یافت که اصلا و مطلقا پیغمبر آخر الزمان اهل کتاب را
نجس نشمرده است و احتراز از ایشان را جایز ندانسته است زیرا
که نجس شمردن و احتراز از ایشان مایهٔ قطع مواصلت و مؤالفت
و سبب عداوت باطنیه نسبت با اهل سایر مذاهب میشود و هرگاه برانهدام این
اسلام موافقت میکردند و بتدریج ملت اسلام در میان سایر
ملل ارذل و اخس طوایف و ذلیل ترین همگان میگردید

تحقیق

در ذخیرة المعاد از تصنیفات ملا محمد باقر سبزواری در کتاب
طهارت در نظر ششم در خصوص نجاسات نوشته شده است
کافر اگر غیر از اهل کتاب باشد اجماع بر نجاست آن است و اگر اهل
کتاب باشد در نجاست آن اختلاف است شیخ مفید در
یکی از رسالهای خود قائل بکراهت در ملاقات است نه نجاست

شیخ در هدایه و ابن جنید نیز بعدم نجاست قائلند بعضی مدعی اجماع
بر طهارت اهل کتاب شده‌اند و قول بطهارة سؤر آنها با بن عقیل نسبت
داده شده است اگرچه شیخ در تهذیب نقل کرده است اجماع
مسلمین را بر نجاست کفار مطلقا لیکن جمهور عامه مخالف این
دلیلند حتی آنکه سید مرتضی این قول را مخصوص امامیه میداند
دلیل بر نجاست غیر از اهل کتاب چند آیه است اول قوله تعالی
انما المشرکون نجس فلا یقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا این آیه
بدو وجه دلالت بر نجاست مطلقه و نجس العین بودن مشرکون ندارد
وجه اول اینکه ثابت نیست که لفظ نجس حقیقت شرعیه باشد در
این معنائی که فقها مدعیند یعنی نجس العین و معلوم نیست که شارع
لفظ نجس را در این معنای حقیقت شرعیه اطلاق کرده باشد
وجه دوم آنکه لفظ نجس مصدر است و از اضعف حجت وارد دلیلش

صحیح نیست مگر بتقدیر کلمه ذو وآیه دلالة بر تقدیر ذو ندارد پس
درینصورت نجس را باید بمعنای متنجس گرفت ونیست دلیل
نجاست آنها بلکه آنها بواسطهٔ عدم انفکاک ایشان از نجاسات عرضیه
دانست زیرا که از نجاسات تطهیر نمیکنند واگر بگویند که نیست
نجس از قبیل زیدٌ عدلٌ است واز شدت نجاست ذات
آنها را بمصدر وصف کرده‌اند درینصورت حکم نجاست مخصوص
بمشرکین خواهد بود وکفاریکه مشرک نباشند نجس نیستند ؛

آیهٔ دوم قوله تعالی یجعل الله الرجس علی الذین لا یؤمنون این آیه
نیز دلالة بر نجس العین بودن آنها ندارد زیرا که لفظ رجس عرفاً
ولغةً بمعنای نجس نیست وهم ثابت نیست در این معنی حقیقت
شرعیه شده باشد بعلاوه مذکور لفظ رجس معانی متکثره دارد مانند
عذاب وعقاب وغضب وگناه ونجاست وغیرها وحقیقت نیست

حقیقة در بعضی ازین معانی ومجاز در بعض دیگر باشد وحال آنکه
متبادر ازین لفظ غضب وعذاب است نه نجاست وبر فرض
قبول معنای نجس باز دلالت بر نجس العین بودن نخواهد داشت زیرا
که منظور از نجس نجاسات عرضیه است چنانکه از اخبار آتیه نیز
مستفاد میشود ؛

ادله بر نجاست اهل کتاب بر دو گونه است اول عموم هر
آیهٔ مذکوره چنانکه بیان نمودیم آیهٔ دوم دلالت بر نجاست ندارد
وآیهٔ اول هم بر فرض آنکه حقیقت شرعیه باشد لازم دارد اثبات
شرک اهل کتاب را وحال آنکه هیچیک از یهود ونصاری را ندیده اند
که در هیچ یک از زبانهای خود خدا را متعدد بدانند بلکه
همیشه بلفظ مفرد او را ندا میکنند وتوصیف وتعریف مینمایند
ودیگر اینکه بعقاید بعضی از عوام شریک حضرتشان قرار میدهند

وسایط اولیه میدانند نه خداوند آفریدگار در کلام مجید تصریح
بشرک یهود و نصاری نشده است بلکه مسیح ابن الله و عزیر ابن الله
مذکور شده است ادعای ولد برای خداوند لازمهٔ شرکت
نیست و حال آنکه منظور ایشان از پسر نه چنانست که خداوند را
مانند بنی نوع انسان یا سایر حیوانات جماع کننده و مولد بدانند
در سوره مائده میفرماید ان الذین آمنوا والذین هادوا
والصابئون والنصاری من آمن بالله والیوم الآخر وعمل صالحا
فلا خوف علیهم ولا هم یحزنون (بدرستیکه کسانیکه ایمان آوردند
وکسانیکه یهود شدند وصابئان وترسایان که ایمان
بخداوند وروز بازپسین آورده باشند وکارهای نیکو کنند
خوف واندوه برای آنها نیست) ازین آیه مفهوم میشود
که یهود و نصاری معتقد بخدا و روز جزا هستند : باز میفرماید

ولتجدن اشد الناس عداوة للذین آمنوا الیهود والذین اشرکوا
ولتجدن اقربهم مودة للذین آمنوا الذین قالوا انا نصاری
خداوند در آیهٔ مذکوره مشرکین را در مقابل یهود و نصاری
وجداگانه ذکر فرموده اند بنابرین معلوم میشود که یهود و نصاری
از مشرکین نیستند واگر بندرت وبطریق استثناء جمعی از ایشان
مشرک باشند خارج از عامهٔ آنها که موحدند خواهند بود :
ودر اخبار دالهٔ بر نجاست است : از آن جمله روایت شیخ
از صحیحهٔ علی بن جعفر از برادرش موسی (ع) گفت سؤال کردم ازو
از فراش یهودی ونصرانی که بر او بخوابند فرمود لا بأس ولا یصلی
فی ثیابهما (باکی نیست لکن نماز نباید کرد با جامهٔ آنها) ایضا
گفت سؤال کردم ازو مردیکه بخرد جامه را از بازار برای
پوشیدن ونداند از که بوده است آیا میتوان دران نماز کند

فرمودند اگر از مسلم خریده باشی با او نماز بکن و اگر از نصرانی
خریده باشی نماز در ان مکن تا بشوئی ❁ کلینی از علی بن جعفر
در صحیحهٔ او از ابی الحسن موسی ع روایت کرده است که سؤال
کرد از او در اینجور اگر با مجوس در قصعهٔ واحده و خوابیدن
با او در یک فراش و مصافحه کردن با او فرمودند لا یاکل
المسلم مع المجوس فی قصعة واحدة ولا یقعد علی فراشه
ولا مسجده ولا یصافحه نخورد مسلم با مجوس در یک ظرف
و ننشیند بر فراش و محل سجود او و با وی مصافحه ننماید ❁
باز روایت میکند از علی بن جعفر در صحیحهٔ خود که سؤال
کرد از برادرش موسی بن جعفر ع در خصوص نصرانی که
غسل کند با مسلم در حمام گفت اذا علم انه نصرانی
اغتسل بغیر ماء الحمام الا ان یغتسل وحده علی الحوض

فیغسله ثم یغتسل (هرگاه بدانی که آن شخص غسل کننده
نصرانی است بغیر از آب حمام غسل کن مگر آنکه نصرانی
تنها در حوض غسل کند پس بشوئی حوض را آنگاه در آن
غسل کن) این خبر واضح است که منافی نیست که آب
حوض بقدر کر نباشد زیرا که هرگاه بقدر کر باشد از خارج
ثابت است که بدخول ایشان نجس نمیشود و اگر کمتر از
کر باشد هر نجاست دیگر هم که بان داخل شود حکم کافر را
دارد و این حکم بواسطه آنست که کفار تطهیر نمیکنند و همیشه
متنجس بنجاسات عرضیه اند ❁ باز سؤال کرد از یهودی
و نصرانی که داخل کند دست خود را در آب آیا
از ان آب وضو بسازد برای نماز فرمودند نه مگر اینکه
مضطر باشی ایضا روایت میکند ابو بصیر از ابی

جعفر ع در خصوص ظرفهای اهل ذمه و مجوس سؤال کرد فرمود لا تأکلوا
فی آنیتهم ولا من طعامهم الذی یطبخون ولا فی آنیتهم الذی یشربون فیها
الخمر (نخورید از آن طعامیکه ایشان طبخ کرده اند و نه در ظرفهائیکه
در آنها شراب مینوشند ∴

در کتاب حلیة المتقین از حضرت صادق ع روایت میکند که هرگاه با یهودان
و ترسایان مصافحه کنی از زیر جامه مصافحه کن و اگر دست بدست آنها برسد دست را
بشوی در حدیث دیگر فرموده که اگر با یهود و ترسا و گبر مصافحه کنی دست را
بخاک یا دیوار بمال و اگر با دشمن اهل بیت مصافحه کنی دست را بشوی در
حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع روایت شده است که هرکه با گبر مصافحه
کند دستش را بشوید ∴

اخبار داله بر طهارت اهل کتاب اقوی و ارجح اند و از معارضه
وجمع انها چنان مستفاد میشود که منظور از نهی کراهه و از احتراز استحباب است

و مقصود از نجاست نجاست عرضیه است زیرا که ذبیحه آنها تذکیه نشده است و گوشت
خوک و جانوران حرام گوشت میخورند و از خون و سایر نجاسات احتراز نمیکنند
لهذا متنجس اند بنجاسات عرضیه چنانکه از اخبار آینده بیان و توضیح میشود
ادله بر طهارت اهل کتاب سه گونه اند اول اصالة الطهارة است کل شیء
طاهر حتی تعلم انه قذر (هر چیز پاک است تا آنکه علم بهم رسد به نجاست آن) دوم قوله
تعالی در سوره المائده اليوم احل لكم الطيبات وطعام الذين اوتوا الكتاب حل لكم و
طعامكم حل لهم والمحصنات من المؤمنات والمحصنات من الذين اوتوا الكتاب من قبلكم اذا
آتيتموهن اجورهن محصنين غير مسافحين ولا متخذي اخدان (امروز حلال کرده
شد برای شما پاکیزه ها و طعام آنانکه کتاب داده شده اند حلال است برای شما و طعام شما
حلال است برای ایشان و عفیفه های از زنان با ایمان و عفیفه های از آنانکه
پیش از شما کتاب برای آنها فرستاده شده در صورتیکه مهر آنها را بدهید و در حالتیکه
منکوحه شوند نه زنا کنندگان و نه یار گیرندگان) طعام مطلق از مطبوخ و غیر مطبوخ است

در صورتیکه پنیر اطعمه با آنکه مباشرت دست ایشان میشود و از رطوبت متأثر میگردد
طاهر باشد لازم است مباشر آنها نیز طاهر باشد زیرا که حلیه لازم دارد طهارت ایشان را
علاوه بر حلیه طعام خداوند آفریدگار زن گرفتن از ایشان را بر مسلمانان جایز و نیکو دانسته
پس چگونه در صورت نجاست ذاتیه ایشان مصاحبت و مباشرت بدون عسر و حرج
متصور میشود. سیم اخبار مستکثره از آنجمله صحیحه ابراهیم بن ابی محمود میگوید پرسیدم از
حضرت رضا ع جاریه نصرانیه خدمت میکنید و میدانیم اینکه او نصرانیه است و وضو
و غسل جنابت نمیکند فرمود لا بأس تغسل یدیها (باکی نیست و تنها دستهایش را بشوید) ایضا
صحیحه ابراهیم ابن ابی محمود گفتم بحضرت رضا ع خیاط یا قصابی یهودی و نصرانی است
و میدانیم اینکه بول میکند و وضو نمیگیرد چه میفرمائید در عمل او فرمود باکی نیست
خبر دیگر صحیحه عیص بن قاسم سؤال کرد از ابا عبدالله از همخوراکی یهودی و نصرانی فرمود
لا بأس اذا کان من طعامک (باکی نیست اگر از طعام تو باشد) و سؤال کرد از همخوراکی با مجوس فرمود
هرگاه وضو بسازد باکی نیست. ایضا صحیحه اسمعیل بن جابر قال قلت لابی عبدالله ع

ما تقول فی طعام اهل الکتاب فقال لا تأکله ثم سکت هنیئة ثم قال
لا تأکله ثم سکت هنیئة ثم قال لا تأکله ولا تترکه تقول انه حرام
ولکن تترکه تتنزه عنه ان فی آنیتهم الخمر ولحم الخنزیر (پرسید
چه میفرمائید در طعام اهل کتاب فرمود نخور پس قدری سکوت
فرمود باز فرمود نخور باز سکوت نمود و فرمود نخور و ترک
نکن از آنجهت که بگوئی حرام است بلکه ترک کن برای احتیاط و
پاکی از آن زیرا که در ظرفهای آنها شراب و گوشت خوک است
شهید ثانی میگوید تعلیل حضرت نهی را درین روایت بمباشرت
آنها نجاسات عرضیه دلیل بر آنست در ذات آنها نجس نیست
زیرا که اگر نجس العین میبودند شایسته نبود حضرت علت نهی را
نجاسات عرضیه قرار بدهند با آنکه اینگونه نجاسات گاهی موجود
و گاهی مفقود است. ایضا صحیحه محمد بن مسلم از ابا عبدالله

میگوید از حضرت سؤال کردم در خصوص اهل ذمه حضرت فرمودند
لا تاکلوا فی آنیتهم اذا کانوا یاکلون فیه المیتة والدم ولحم الخنزیر
(نخورید در ظرفهای آنها در هنگامیکه در آنها میخورند مردار و خون
و گوشت خوک) ایضا روایت زکریا بن ابراهیم گفت
داخل شدم بابیعبدالله گفتم من مردی هستم از اهل کتاب و اسلام
آوردم و اهل من کلهم بر نصرانیة باقی اند و با ایشان در یکخانه
هستم و مفارقت نکرده ام گفت آیا از طعام ایشان بخورم حضرت
فرمودند آیا گوشت خوک میخورند گفتم نه ولکن شراب میخورند فرمودند
کل معهم واشرب (بخور و بیاشام) ایضا صحیحه علی بن
جعفر از ابوالحسن موسی ع و قد سأله عن الیهودی والنصرانی یدخل یده
فی الماء ایتوضؤ منه للصلوة قال لا الا ان یضطر الیه سؤال
کرده از یهودی و نصرانی که فرو میبرد دست خود را در آب آیا وضو

نماید

نماید از آن آب برای نماز فرمودند نه مگر آنکه مضطر باشید هرگاه
آن آب پاک نباشد چگونه در صورت اضطرار میتوان با آن
آب وضو ساخت زیرا که در هنگام اضطرار با آب نجس وضو
ساختن جایز نیست ایضا موثقه عمار الساباطی از ابیعبدالله
گفت سؤال کردم از او در خصوص اینکه آیا میتوان وضو ساخت
از کوزه و ظرفی که دیگران از او آشامیده اند در صورتیکه
آشامنده یهود باشد فرمودند نعم (بلی) قلت فمن ذلک الماء
الذی شرب منه قال نعم گفتم از همین آبیکه از آن آشامیده اند
فرمودند بلی این خبر صراحة دلالت بر طهارت اهل کتاب دارد
پس هر جا از خوردن غذای ایشان نهی شده است از جهت آن است
که مبادا در ماکول آنها گوشت حیوانات حرام گوشت باشد یا آنکه
ذبیحه آنها تزکیه نشده باشد یا ظرفهای ایشان بشراب آلوده بود

و منظور از نجاست نجاست عرضیه است مانند مسلمی که
تطهیر نکند و نه چنانست که در شریعت آنها را نجس العین
خوانده باشد ؛

پس بر علما لازم است که برای حفظ دولت و ملت ایران
و استحکام و بقای آئین اسلام این مطلب را در منابر و مساجد
گوشزد عوام نموده از حقیقت این مسئله آنها را آگاه نمایند و
بناحق در میان افراد ملت واحده بغض و عداوت و
نفاق نیندازند و در خرابی ملت ایران نکوشند گفتم که
مگر قاضی و مفتی شدند ؛ در کار طریقت و شریعت بدوند
چون بر سر راه آمدم دانستم ؛ کین بیخبران نیز چو من نابلدند ؛
حضرت آفریدگار در سوره انعام در خصوص مشرکین که بالمره
پی کتاب آسمانی و در کفر محض غرق شده اند امر برفق و مدارا میفرماید

و مؤمنین را از بدگوئی و دشنام بایشان منع مینماید بقوله تعالی
ولا تسبوا الذین یدعون من دون الله فیسبوا الله عدواً بغیر علم کذلک
زینا لکل امة عملهم ثم الی ربهم مرجعهم فینبئهم بما کانوا یعملون
دشنام ندهید آنهائیرا که میخوانند غیر از خدارا تا آنکه آنان
از روی نادانی خدارا دشنام دهند همچنین زینت دادیم
برای هر گروهی عملهای ایشانرا پس بسوی پروردگار خودشان رجوع
انهاست ؛ ملاحظه نمائید که پیغمبر آخر الزمان تا چه اندازه
در تحبیب عامه و ملل مختلفه کوشیده و در وفاق میان افراد
متغایره بندگان حضرت آفریدگار تأکید و مبالغه فرموده است
ما خود را مسلمان و پیرو فرمایشهای حضرت او میدانیم و بهیچوجه
در ترویج قواعد و آداب و پیشرفت خیالات و عقاید شریفه
او اقدام نمیکنیم بلکه روز بروز در خرابی احکام و نظمهای

مُدغم او کوشیده از بی‌سوادی و بی‌شعوری و عدم علم فرهنگهای
صحیحه و بیانات متینه حضرت نبویرا بر خلاف مقصود او در
نظر عوام جلوه داده ایشانرا متنفر و روگردان نموده پیوسته
متزاید اسباب گرویدن آنها بملتهای خارجه و دولتهای مجاوره
میکردیم ؛
این عیب کلی بواسطه نقصان اداره احکام و نفاق میان
رؤسای آیین و علمای ملت و امنای دولت قولیوک علیه است ؛
روز سه‌شنبه مذکور بعد از ظهر در ملازمت نواب والا
حشمة الدوله با سایر اجزاء سفارت بعزم گردش در مدارس علمیه
تفلیس روانه شدیم ابتدا بمدرسه دختران فقراء قفقازیه
رفته هریک را آراسته بانواع صنایع و علوم چون صنعتهای
دستی و علم جغرافیا و گیاه‌شناسی و حساب و موزیک و غیره دیدیم

پس از آن بمدرسه دختران نجبا و اشخاص مستطیع رفته زیاده از چهارصد نفر
از آنها در آن مدرسه مشغول تحصیل علوم مذکوره و سایر علوم لازمه
برای جماعت زنان بوده و هریک در کمال فصاحت و چابکی
از هر مسئله علمیه جواب میگفتند ؛
روز پنجشنبه ۲۸ رجب هشت ساعت از نصف شب گذشته
سفارت کبری از تفلیس بلابد معاودت بایران بجانب [illegible]
حرکت نمود ؛

راهنامه

پنجشنبه ۲۸ رجب ۳۰ سنتبر ماه روسی ۱۲۸۸
از تفلیس تا میمنخ ۲۰ ورس
سلکان ۱۴ ۳/۴
قرشت نهارگاه ۱۶ ۳/۴

آنانور ۲۱

پاسانااوور ۱۸ ½

ریت منزلگاه ۱۵

مجموع سلاغ ۱۰۶ ورس

جمعه ۹ رجب اول اکتبر ماه

از ریت تا کوداوور ۱۶

کوبه ۱۵ ½

گازبک نهارگاه ۱۵ ½

للارس ۱۵ ½

بالت ۱۶

ولادی قفقاز منزلگاه که شهرکی است زیبا ۱۲ ½

مجموع سلاغ ۹۱ ورس

یکشنبه غره شعبان ۳ اکتبر ماه

از ولادی قفقاز تا نزران ۲۵ ¾

سلیپتسوف نهارگاه ۲۳ ¾

ساماشکین ۲۰

الخان یورت ۲۰

گروزنی منزلگاه که شهرکی است زیبا ۱۲

مجموع سلاغ ۱۰۱

دوشنبه دوم شعبان ۴ اکتبر ماه

از گروزنی تا پطروپاولوفسک ۱۲ ¾

نیکلایفسک ۱۸

چرولن نهارگاه ۹

شچدرنسک ۲۱

شلگوزاوتسک ۲۰ ½

داشکچین ۱۲

خاساو یورت منزلگاه ۱۸ ¾

مجموع ساعات ۱۱۲

سه شنبه ۳ شعبان ۵ اکتبر ماه

از خاساو یورت تا چیر یورت بهارگاه ۲۸ ¼

تمیر قوئی ۱۷ ¼

قمتر قالع ۲۲

پطروفسکه ۲۲

مجموع ساعات ۸۹ ½

ملاحظهٔ طبیه

چهار روز پیش از این چنانکه یکی از سرهنگهای روس منیکف ورونها

در چیر یورت بروز نمود بواسطهٔ دسته کاروانیکه از حاجی‌طرخان
و پطروفسکه آمده بود و مدت یکماه در خانهائیکه نزدیک منزلگاه
آن کاروان بود باقیماند و چند خانه را بالکلیه غیر مسکون و تخلیه نمود
چنانکه در شش روز شصت نفر جوهز الگاه اینمرض بکلی نابود شده
در خاساو یورت بیش از سه چهار نفر نمردند در پطروفسکه
هنوز حالت اپیدمیک باقی است ⁂

امراض ساریهٔ مختصهٔ این مواضع انواع حمیات و نوائب و امراض چشم است
و هوای این بخشها مانند هوای گیلان اغلب وی بارندگی است
گنجایش مریضخانهٔ خاساو یورت ۴۰۰ نفر ⁂ دولت روسیه
برای مخارج مریضهای فقراء و سربازیکه باین مریضخانه وارد میشوند سالی
۲۰۰۰۰ روبل معین کرده است اغنیاء برای استعلاج در این
مریضخانه تقریباً روزی شصت کوپک میدهند ⁂

شنبه سلخ رجب هنگام عصر باتفاق میرزا مهدیخان در ولادی
قفقاز بعزم گردش از منزل بیرون شدیم در حین عبور بدکان
ساعت فروش یهودی رسیدیم میرزا مهدیخان خواست ساعتی
از انجا خریده باشد در میان گفتگوی قیمت ساعت آن شخص
یهود در کمال طلاقت لسان از هنگامه کشته شدن یهودی
مازندران که دو سال پیش ازین اتفاق افتاده بود سؤال مینمود
و در کمال جسارت بنوع باز خواست و انتقام گفتگو میکرد
و مطالب جاهلانه بمیان میآورد بالاخره از شدت جسارت او
حالت هر دو دیگرگون شد از ترک ساعت خریدن نموده از
منزل او بیرون شدیم ⁘

اینحالت نیز از نتایج حاصله از نفاق میان افراد مختلفه ملت
ایران یعنی مسلمان و یهود و نصاری و گبر و الفت ایشان است

منجر باینگونه افسادها و حرکات لایعنی شده اسباب مهیا میشود
که شخص ساعت فروش یهودی در ولادی قفقاز که وسط قفقازیه
و داغستان است تخم عداوت و بغض مسلمانان ایران را در
دل خود میکارد و بالعکس جمعی از مسلمانان ایران بسبب رشوه‌ها
و گروهی دیگر سالها ترکانان بکنیزی و غلامی شهر بشهر میفروشند در
حالتیکه هیچیک از اهالی ایران ازین صدمات متأثر نمیشود و شیوه
عصبیت و غیرت ملی را بخیال خود راه نمیدهد ⁘

شب چهار شنبه چهارم شعبان هنگام شام خواهان عبدالرحمن بن
جمال الدین داماد شمیل که پیش از استیلای دولت بهیه روسیه
رئیس داغستان و از مسلمانان بود در کنار من واقع شد چون مسلمان
بود بزبان عربی از او پرسیدم که آیا اهالی داغستان و تمام مسلمانان
از دولت روسیه راضی میباشند این آیه را در جواب خواند

یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا الیهود والنصاری اولیاء مردم
از خواندن این آیه و سایر قرآن چنان مستفاد میشود که اهل داغستان
باستیلای دولت روسیه و حکومت آن راغب و مایل نیستند باز
پرسیدم که شنیده ام دولت روسیه بتدریج رخنه در آئین
مسلمانان میکند و بتدبیر در خیال خرابی مذهب اسلام است
باز این آیه را در جواب خواند ولن ترضی عنک الیهود ولا النصاری
حتی تتبع ملتهم بالجمله در اثنای مکالمه جان نثار با او بطول انجامید
تفصیل سایر مکالمات را در اینجا لازم ندانست ؛

ملاحظهٔ جغرافیائی

کسانیکه ۱۵ سال پیش از این بادکوبه و تفلیس و ولادی قفقاز
و سایر قفقازیه را بجانب پطرفسکه دیده بودند از شدت
تغییر و کثرت تعمیر اکنون آن مواضع را نمیتوانستند شناخت

زیرا

زیرا که تمام شهرها را بشیوه منقحه اند و عمارات کهنه بوضع جدید
از نو بنا شده و در هر موضع از بیابانها عمارات ملوکانه و چاپارخانهای
عالیه و مهمانخانهای عظیمه برپا کرده اند و با اهتمام دولت بهیه روسیه کوهها
پست شده و درهها پر شده بکمال راحت گاریهای چاپاری
در قله کوههای گذرناپذیر داغستان و قفقاز حرکت مینماید انواع
پلهای آهنی و چوبی و سنگی باقسام مختلفه برای سهولت عبور و مرور
ابداع کرده اند چنانکه مشاهده آنها حیرت افزا و ملاحظه اینها فرح انگیز است
درین معابر گذرناپذیر مکانی دیده نشد که بدون آبادی
و محصول زیاد و دهات معموره باشد ؛ وضع آبادی و بناهای
بیابان قفقازیه و کوههای داغستان بزبان نمیآید در مراقبت
است که در هر دقیقه از دقایق تمام نقاط ما را مشاهده میکنند
و ساعتی از مواظبت یا غفلت ندارند و در هر موضعی از مواضع

متعلقه بجاکه اصلاحی لازم باشد فورا بدون اهمال اصلاح مینماید
و هر جا تعمیری بکار رود فی‌الفور در تهیه اسباب آنرا آماده میسازد چنانکه
در آبادانی کوشش میکنند و بعدالت و رافت رفتار مینماید
که هر یک از ملاکین املاک خود را در کمال اطمینان در دست
امانت و دیانت او میسپارند و در نهایت میل قلبی در
اعانت و انجام مقاصد او مساعی جمیله بعمل میآورند متابعین
این شخص هر روزی تدبیری تازه برای افزایش و ازدیاد منافع
عامه مردمان و ترفیه حال رعایا اظهار مینمودند و رعایای
او هر چندی صنعتی از نو در کار زندگانی خود ابداع میکردند
هر تن منفعتی که از دولت و هر شخص که بجهت ملت خود استکشار
میساخت جوانان خردسال آنها چون پیران کار آزموده و مردمان
جهاندیده در کمال ادب و متانت و زرنگی و درایت بکارها

عمده

عمده مبادرت میجستند و پیران سالخورده ایشان مانند جوانان در
نهایت چابکی و غیرت بانجام لوازم دولت و ملت میپرداختند
از شخص پرسیدم این طایفه از کدامیانند پاسخ گفت ایشان همان
طوایف قدیم قفقازیه و داغستان اند که در بی شعوری و عدم
تربیت شهره آفاق بودند و ایشان همان قزاقها و گرجیها و ارامنه
و مسلمانانی هستند که بیست سال پیش ازین بوحشی بودن موصوف
میشدند چه شد که ایشان اکنون چنین با خرد و هوش و با نظم
و تربیت و نشر علوم و صنایع و صاحب تدابیر غریبه و خیالات
عالیه شده اند بنوعیکه گویا نه از کدام متمدنان خود ⁂ در جواب این
مسئله چیزی بنظر قاصر نمیرسد مگر عدالت و مساوات عامه
و مهربانی پدرانه سلطان و اهتمام امنای دولت در آسایش و
تربیت و اطمینان و تقویت رعیت از جانب سلطنت

شب جمعه ششم شعبان هشت ساعت از ظهر گذشته سفارت
کبری در کشتی قسطنطین از بندر پطروفسکه روانه بندر انزلی شد
روز جمعه هنگام غروب آفتاب کشتی مزبور محاذی بادکوبه رسید
روز شنبه یکساعت بغروب مانده بکنار بندر انزلی لنگر انداخت
از بندر پطروفسکه تا انزلی ۷۷۰ ورس یا ۱۱۰ فرسنگ
مقدار حرکت کشتی قسطنطین هر ساعت ۱۸ ورس و نیم بود
لیکن میتوانست هنگام لزوم هر ساعتی ۲۴ ورس راه بپیماید
بواسطهٔ شدت طوفان و انقلاب دریا ممکن نشد که هنگام رسیدن
بکنار انزلی سفارت کبری از کشتی پیاده شود و روز را بکمال انقلاب
کشتی در لنگرگاه توقف نمود روز دوشنبه یکساعت پیش از ظهر
ملاحان جسارت نموده باکمال طغیان و شورش دریا با چند کرجی
خود را بکشتی رسانیدند و از راههای غیر معمول سفارت کبری را سوار کرجی

آوردند

آوردند ژنرال قنسول انگلیس و اتباع او که برای پذیرائی سفارت
کبری مأمور بودند جرأت پیاده شدن ننموده و از همانجا نواب
مستطاب والا حشمة الدوله و سایر اجزاء سفارت را بدرود
گفته در کشتی ماندند روز دیگر بجانب بادکوبه معاودت کردند ∴

ملاحظهٔ لوازم سرحدیه و آبادی بندر انزلی

انزلی بندریست قابلتر از اغلب بندرهای ایران بلکه بندرهای
ممالک خارجه و حاصلخیزتر از هر یک بلاد محروسه لیکن نخستین
سبب خرابی آن نبودن سد در دهنهٔ مرداب است زیرا که
هر ساله جمع زیادی و مال التجاره فراوانی بواسطهٔ انقلاب دریا
و نیامدن کشتی تا کنار خشکی در کرجی بدریا غرق میشوند و این قضیه
مایهٔ دهشت و ضرر کلی مردم از عبور بدین راهها است بنوعیکه
بتدریج قطع مراوده و تردد راههای تجارت ازین بندر خواهد شد و بالعکس

ساختن سد انزلی سبب خواهد شد که تمام مال التجاره ایران ازین
سالم بگذرد و تجار از خرج کم و سهولت سالم منتفع گردیده تدریجاً
گمرک انزلی که اکنون ۱۵۰۰۰۰ تومان است نزدیک بکرور برسد
ثانیاً نبستن سد مذکور مایهٔ خرابی خود انزلی و نقصان آبادی
و کم شدن رعیت آنجاست چنانکه نگارنده شنود که روزی آب غلب
انزلی را آب منهدم نماید بخصوص در صورتیکه بنای جدید
لازم است که پیش از شروع بانجام گرفتن سد مزبور سد محکم
بسازند وگرنه بنیاد آنها بر آب است اگرچه در خصوص بنای این
سد مکرر حکام و مامورین آن ناحیه بخاکپای مبارک همایون عرض
نموده‌اند و چند نوبت هم امر بساختن آن صادر شده است لیکن
افسوس که این امر مهم همواره باهمال و تسامح گذشته و تاکنون
منظور اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی بانجام نرسیده است در صورتیکه

اعلیحضرت

اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی تنخواه فراوانی برای بنای عمارات جدیده
مرحمت میفرمایند هرگاه این تنخواه صرف ساختن سد مذکور میگردید
منافع دولت و آسایش رعیت صد برابر میافزود و بتدریج
از گمرک چند ساله انزلی سد این بندر باتمام میرسید و حال آنکه
عماراتیکه اکنون بساختن آن مشغول میباشند هیچ چه مفید فایده نخواهد
بود زیرا که اولاً نزدیک بکنار دریا و مکان طغیان آب و احتمال
قوی است که روزی بغتةً طغیان آب آنرا منهدم نماید ثانیاً
زمینی که بنای عمارت است بسیار سست است و از حفر تا یک زرع
آب میجوشد در چنین موضعی لازم است که بنای عمارت عمیق
و وسیع بود و با سنگ و آهک فراوان مستحکم شود بالعکس آهک
بکار نمیبرند مگر بقدر جزئی لایتجزی معهذا ابراهیم برای دار
عمارت دیوانی معمار میگوید آهک زیاد در بنیان این عمارت

باید بکار بُود وگرنه عنقریب باین نوع که بنا میکنی منهدم خواهد شد
جواب میگوید خواهر زن تو شوهر کرده است باید یکدانه قند بدهم
تا بنیان عمارت را با آهک زیاد و محکم بسازم وگرنه بهمین روش
که میسازم تغییر نخواهم داد هر قدر باو میگویند آقای معمار باشی محکم ساختن
عمارت همایونی چه مدخلیت بشوهر کردن فلان ضعیفهٔ اجنبیه
دارد که تو او را بهیچ نمیشناسی میگوید همین است که گفتم اجزاء سفارت
باو میگویند چرا نمیخواهی دیوار از آنطرف میکنی این عمارت بزودی
منهدم خواهد شد خرج و رنج بیهوده خواهد بود میگوید دولت معجلا خواسته
است باید بزودی باتمام برسد ÷

خلاصه در بستن سدّ انزلی از جهت استحکام و ترتیب ستون بندی
هیچگونه خطر ملاحظه نمیشود زیرا که در صورت نه بستن سدّ مذکور
بهنگام لزوم باز ممکن است که از سالهای غیر معتاد در هر موضع

از

از کنار دریا از آب خارج شود چنانکه هنگام ورود سفارت
کبری همچنین اتفاق افتاد ÷ در صورتیکه ساختن سدّ
انزلی را شروع نمایند باید این ملاحظه را نیز ملتفت بود که اگر
نگاهداری و آبادی سایر جزایر عمدهٔ مرداب انزلی نیز منظور است
تنها ساختن سدّ مذکور کفایت نمیکند زیرا که پس از ساختن سدّ
سدّ مذکور موج دریا از برخوردن بقطعهٔ سدّی که نزدیک بگمرکخانه
واقع میشود برگشته بقوّت زیادتر بمیان پشته هجوم آور خواهد
شد و میان پشته را آب منهدم خواهد نمود و هرگاه سدّ میان پشته
را نیز بنا نموده مستحکم کنند مصادمهٔ موج باید میان پشته سبب
برگشتن آن بجانب قازیان خواهد گردید و مایهٔ ویرانی عمارات قازیان
خواهد شد پس باید منظور اصلاح و حفظ انزلی و آبادی آن قرار دهند
بلکه انزلی و میان پشته و قازیان هرسه را سدّ بست یعنی

آن قطعه از انهار را که محاذی یکدیگر و بکنار دهنه مرداب و دریا واقعست
لیکن در هر حال القای انزلی و آبادی آن لازمتر از سایر جزایر مرداب است
هرگاه سد این سه موضع بسته شود میتوان آبادی انزلی را تا گرگان رود
متصل نمود یعنی آنرا از طول سواحل شمال و جنوب وسعت داد و آنرا بدل
بشهری بسیار زیبا و خوش منظر مانند اسلامبول نمونه بهترین بلاد
ایران قرار داد ؛ در مسافت مزبوره جنگلهای نیکو و چمنهای زیبا
و خشکیهای وسیع است در صورت توسعهٔ انزلی لازم است
آب مشروب آنجا را بتوسط لولهای آهن از رودخانه گرگان رود
بانزلی جاری نمایند هرگاه در انزلی چند حمام بخاری از آب دریا بنا کنند
و باعانت لولهای جذب آب از دریا بآن مواضع آورند و مردم
از غرق بدن بدریا اطمینان حاصل شود البته آن حمامها برای استعلاج
مرضی دایر و مایهٔ انتفاع خواهد شد [illegible] انزلی را [illegible] کنند

باز

باز ممکن است که بواسطهٔ تخلیه و تنقیهٔ دهنهٔ مرداب بالاها و جهاز توپ
کشتی توانند داخل مرداب شود و مسافرین و مال التجارهٔ آنها از
غرق نجات یابند اسبابیکه لازم تنقیه دهنهٔ مرداب است زیاده از
ده هزار تومان قیمت ندارد هرگاه امنای دولت قاهره عملیه خریدن
آن اسباب را مصلحت ندانند ممکن است که آنرا بسالی کمتر از هزار
تومان اجاره کنند و خود کمپانی هر ساله بوقت معین دهنه
مرداب را تنقیه نماید ؛

ملاحظه باستیانها

باستیانهای بزرگ و کوچک انزلی بالمره در حالت انهدام است
چنانکه اکنون نه سزاوار محافظت توپ از باران است و نه
میتوانند برای شلیک توپ مقاومت نمایند لکن اتفاقا در آنجا [illegible]
شلیک توپ محتاج شوند واضح است که توپ و قلعهچی در معرض

تلف خواهند بود بنابر مذکور اینگونه باستیانهای مسقف بالمره بی‌مصرف
و بیفایده است از پس بهتر آنست که تمام باستیانها را مانند باستیانهای
معموله در سایر ممالک بسازند و سقف آنها جداگانه و قابل انتقال باشد
در انجام این مقصود با بوقال ممکن نیست بلکه باید این سقفها را با تخته
آهن بنا نمود ؛

باستیان قازیان محکمتر از باستیانهای مذکوره است لیکن لازم است
که سقف آنها را نیز جداگانه قرار دهند و هم تعمیر نمایند چه اگر تعمیر نشود
پس از اندک زمانی مانند باستیانهای انزلی منهدم خواهد شد ؛

علاوه بر ملاحظاتیکه در باب باستیانها بعرض رسید هرگاه این باستیانها
برای حراست دریاست هر آینه چندان منفعتی از آنها عاید نمیشود
زیرا که در هر موضع از کنار انزلی میتوان از دریا خارج شد پس
لازم است که در سایر مواضع اطراف انزلی نیز باستیانهای محکم

بنا شود

بنا شود چنانکه در نقشه انزلی مینماید ؛

ملاحظه سربازخانه

اگرچه بنای سربازخانه انزلی از ابتدا تا تمام باقیمانده بود لیکن پس
از آن بالمره صرف نظر نموده بانجام نرسانیدند و در آبادی و تعمیر آن
تسامح کردند تا آنکه روز بروز بر انهدام او افزوده شد چنانکه حال
بهیچوجه شایستگی مسکونیت ندارد از جمله لوازم و مهمات
انزلی اتمام این سربازخانه است زیرا که مجموع تفنگچیان طوالش
در آنجا منزل گرفته یکطرف در باب محارست مینمایند و هم بهنگام
لزوم بتوپخانه و قورخانه نزدیکند ؛ عده تفنگچیان و مستحفظین بندر
انزلی را در ابتدای این مسافرت عرض نمودم اگرچه ۱۴۸۰ نفر
تعداد میشوند لیکن از سی نفر یا پنجاه نفر ایشان حاضر نیستند و بهنگام
صلح منظم ترین قشون ایرانند زیرا که علاوه بر آنکه عده ایشان بر طبق

دفتر انعامی آنها نیست شخص هر یک نیز گویا محقق نباشد و معتقد که
گاه گاهی حاضر میشوند علیل المزاج و پریشان احوال اند نه جیره
و مواجب تمام میرسد و نه لباس مخصوص دارند اگرچه تمام آنها
مخصوصا با سیستم تفنگی معروفند لکن اغلب از پر کردن تفنگ بی ربطند
و سلاح حرب آنها بسیار ناقص و بدون انتظام است ؛

ملاحظهٔ توپخانهٔ مبارکه

عمل توپخانهٔ انزلی در کمال اختلال و پریشانی است بچندین وجه
اولا نرسیدن جیره و مواجب توپچیان که عمده‌ترین عیوب است
ثانیا کثافت و خرابی منزل ایشان در منافی حفظ صحت و محدث
امراض متعدده و مایهٔ اتلاف نفوس محترمه است ثالثا علاوه
بر صاحب منصب مخصوص توپخانه مشاق قابلی لازم است که هر روزه
توپچیان را مشق تیراندازی مشغول نماید مبادا بواسطهٔ عدم اهتمام

و تعطیل متوالی از علم تیراندازی عاری شوند ؛ از آنجا بنیاد توپخانه لازم است
که بر وفق قواعد هندسی و بدون نقص باشد زیرا که اوضاع حالیه
توپخانه و توپچیان مایهٔ خجالت و علامت عدم کفایت در انظار رعایای
سرحد و سیاحان و سفرای خارجه است اگرچه اولیای دولت ابد
مدت علیه توپخانهٔ انزلی را محض ملاحظات لازمه و مآل اندیشیهای
خود بنا نموده است لکن وضع حالیهٔ آن بنوعیست که منظورهای
اصلیه هیچ‌چه از آنها حاصل نمیشوند ؛

توپهای انزلی نیز لازم الاصلاح اند زیرا که این توپهای قدیم حرکتشان
بسیار صعب و فوائد منظوره از آنها بسیار اندک است و کوچکترین
توپهای خاندار جدید بنهایت بهتر از اینگونه توپهای سنگین است
و حرکت آنها هم بسیار آسان تر است ؛

قورخانهٔ مبارکه

اختلال اوضاع قورخانه انزلی محتاج بعرض نیست لیکن در خصوص مکان
قورخانه بهتر است که میان پشته را که محل قدیم قورخانه است
تعمیر نموده قورخانه را بانجا نقل کنند زیرا که اگر بغتةً جنگی اتفاق افتد
یک خمپاره میتواند قورخانه و تمام انزلی را آتش زند و نابود نماید
و در زمان صلح نیز ممکن است که بسببی از اسباب موضعی انزلی آتش
گیرد و قورخانه سلامت نبرد از آنجهت که تمام عمارات انزلی از
چوب و نی بنا شده است چنانکه شب پیش از مراجعت جان نثار
از انزلی عمارتی آتش گرفت و نزدیک رسید که بعمارت دیوانی
سرایت کند پس بهترین مواضع برای قورخانه انزلی میان پشته است
از آنجهت که هم از انزلی جداست و هم نزدیکترین مواضع بانجاست
هر یک از مواضع لازم الاصلاح اطراف انزلی و محلات را در نقشه
مینماید ❀


جنوب

پس بر امنای دولت ابد مدت علیه لازم است که معقب مآل اندیشه
لازمه و همجواری با دولت بهیه روسیه کمال مراقبت در آبادی
و تهیه لوازم سرحدیه آنرا بکار آورند مانند آراستن نوکر و زیادی تفنگ
و استحکام قورخانه و توپخانه و سربازخانه و بنای قلعجات عسکریه و غیره بخصوص
در صورتیکه دولت بهیه مزبوره بالکلیه پیشرفت مقاصد خود در شرق
زمین در آبادی بادکوبه میکوشد و استعدادات حربیه و قوه بحریه خود را
تماماً به بادکوبه محدود کرده است چنانکه در بیان اوضاع بادکوبه عرض
نمودم استعدادات عسکریه روس نه تنها در بادکوبه افزوده و تکمیل شده است
بلکه دولت بهیه مزبوره در عاشوراده و قزل سو و پطروفسکه و سایر
سرحدات همجوار ایران هم اینها مراقبت تامه و اهتمام کاملی معمول میدارد

روز چهارشنبه ۱۱ شعبان از انزلی وارد رشت شدم ::
شب جمعه ۲۱ شعبان سه ساعت از نصف شب گذشته از رشت بیرون

بجانب قزوین معاودت نمودم یکشنبه ۲۳ وارد قزوین شدم

ملاحظهٔ طبیه

امراض شایعه حالیه قزوین (پائیز) اقسام نوبه و سوءالقنیه و استسقاء طبلی و اسهال ساده و هیضه است

وبای قزوین (هیضه) در اواخر جمادی الثانیه همان سنه شدت نمود چنانکه بهمه دهات سرایت و کشتار زیاد کرد و تاکنون که ۲۳ شعبان است بحالت اسپرادیک (منفرد) باقی است زمانیکه شدت داشت روزی پنجاه نفر بجهان دیگر میفرستاد و بعضی را بدون قی و اسهال تشنج و کبود و سرد شدن اطراف و با یکدفعه میکشت و در این اوقات هوا بسیار خشک و کثیف و بدون نسیم بود پس از روز دوشنبه ۱۷ تا چهارشنبه ۱۹ شعبان باران شدید بارید و مرض مذکور تخفیف کلی نمود

چهارشنبه

چهارشنبه ۲۶ شعبان از قزوین بجانب دارالخلافه طهران روانه شده شب جمعه ۲۸ هنگام طلوع فجر وارد دارالخلافه گردیدیم